

## نقش ادبیات داستانی چپ در گسترش چریکیسم و مبارزات مسلحانه جنبش‌های چریکی علیه حکومت پهلوی دوم (بررسی موردی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران)

سعید یعقوبی<sup>۱</sup>، سید محمد ابطحی<sup>۲</sup>، سید مهدی میرعابدینی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف اصلی این مقاله با تأکید بر پیوند ادبیات و سیاست، بررسی تأثیر ادبیات داستانی بر جنبش کمونیستی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد است. در عرصه داخلی انسداد سیاسی، نفوذ گسترده آمریکا؛ اصلاحات ارضی، در عرصه خارجی جنبش رادیکال دانشجویی در دهه ۱۹۶۰ و در بُعد ایدئولوژیکی، مارکسیسم آمریکای لاتین که در آن نقش طبقه کارگر را به سطح هسته‌های کوچک چریکی، زمینه‌های تجدیدنظر و نفی روش‌های مدنی مبارزه احزاب پدرسالار مانند حزب توده و جبهه ملی را با حکومت پهلوی فراهم کردند. با انشعاب‌ها در جنبش کمونیستی ایران، سازمان چریک‌های فدایی خلق که بخشی از فعالیت‌های جنبش را با مشی مسلحانه نمایندگی می‌کرد، مبارزه قهرآمیز خود را آغاز کرد. اما در بُعد ایدئولوژیکی، متغیر دیگری نیز، بر این مبارزات مسلحانه تأثیر می‌گذاشت که نادیده گرفته شده

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است: «چگونه مضامین ادبیات داستانی بر گسترش چریکیسم و مبارزات مسلحانه جنبش‌های چریکی خاصه فداییان خلق علیه حکومت پهلوی دوم تأثیر می‌گذاشت؟» پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تبیینی و اسنادی استدلال می‌کند: «مضامین ادبیات داستانی چپ در جهان و ایران با تلفیق مضامین سه مکتب رمانتیسم، رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی در ترسیم تضاد طبقاتی فقرا و اغنیاء و با خلق قهرمان خیالی یا بازتعریف قهرمان واقعی به واسطه منازعه‌ای کردن امر سیاسی (خود و دیگری) سبب شدت مبارزه مسلحانه چریک‌های فدایی شده است». درون‌مایه‌های ادبیات داستانی چپ که از آن به ادبیات چریکی یاد می‌شود، عامل مؤثر در مبانی نظری سازمان و توجیه مبارزه به شمار می‌آید.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات داستانی، ادبیات چریکی، رمانتیسم، رئالیسم انتقادی و سوسیالیستی، چریکیسم، سازمان چریک‌های فدایی خلق.

## **The Role of Left-Wing Fiction Literature in the Spread of Guerrilla Ideology and Armed Struggle Against the Pahlavi regime: A Case Study of the Organization of Iranian People's Fada'i Guerrillas.**

Saeed Yaghoobi<sup>1</sup> / Seyed Mostafa Abtahi<sup>2</sup> / Seyed Mehdi Mirabedini<sup>3</sup>

### **Abstract**

*With an emphasis on the relationship between literature and politics, the main objective of this article is to examine the influence of fiction literature on the Iranian communist movement following the ۱۹۵۳ coup d'état. Domestically, political repression, extensive American influence, and land reform policies, together with the radical student movements of the ۱۹۶۰s in the international arena, and ideologically, the influence of Latin American Marxism—which reduced the role of the proletariat to that of small guerrilla nuclei—provided the grounds for revisionism and the rejection of the peaceful and civil methods of struggle advocated by paternalistic parties such as the Tudeh Party and the National Front in their opposition to the Pahlavi regime. As divisions emerged within the Iranian communist movement, the Organization of Iranian People's Fada'i Guerrillas, which represented the armed-struggle tendency within*

---

1 . PhD student in Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2 . Associate Professor of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran .  
(corresponding Author)

3 . Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*the movement, initiated its violent revolutionary campaign. However, another ideological variable that has largely been overlooked also influenced these armed struggles. This article seeks to answer the following question: How did the themes of fiction literature contribute to the spread of guerrilla ideology and the intensification of armed struggle among guerrilla movements, particularly the Fada'i Guerrillas, against the Pahlavi II regime? Using a descriptive-explanatory and documentary research method, the study argues that the themes of left-wing fiction literature in both Iran and the wider world, through a synthesis of Romanticism, Critical Realism, and Socialist Realism, portrayed class antagonism between the poor and the wealthy and, by creating fictional heroes or redefining real heroes through the politicization and antagonization of the self-other relationship, contributed to the intensification of armed struggle among the Fada'i Guerrillas. The thematic foundations of left-wing fiction literature—often referred to as guerrilla literature—constituted an influential factor in the theoretical foundations of the organization and served to justify armed struggle.*

**Keywords:** Fiction Literature; Guerrilla Literature; Romanticism; Critical Realism; Socialist Realism; Guerrilla Ideology; Organization of Iranian People's Fada'i Guerrillas

## مقدمه

سازمان چریک‌های فدایی خلق ذیل جنبش کمونیستی ایران با مشی مسلحانه قرار می‌گیرد. این جنبش، تحت‌الشعاع جنبش کمونیستی جهانی، جنبشی وارداتی است که شرایط نامساعد اقتصادی ایران در هنگام سقوط رضاشاه به‌نوعی سرآغاز فعالیت آن شد. در آن زمان بسیاری از مردم مجذوب شعارهای چپ در زمینه بهبود وضع معیشت و برابری شدند. بخشی از طبقه کارگر ضمن استقبال از آگاهی‌بخشی طبقاتی شیفته اتحادیه‌کارگری و عضویت در احزاب چپ گردیدند. در این میان، حزب توده سازمان‌یافته‌ترین حزب در عصر پهلوی به شمار می‌آمد. این حزب پس از تجربه حزب کمونیست ایران و گروه ۵۳ نفر توانست در مدتی کوتاه به تبع نضج‌گرفتن جنبش کمونیستی جهانی، در ایران فراگیر گردد، اما عملکرد نامطلوبش در حمایت از حکومت‌های پیشه‌وری و قاضی محمد، و در قبال جنبش ملی شدن صنعت نفت در ۱۳۳۲-۱۳۲۰، سبب انشعاب و تکون جنبش‌های کمونیستی نوین با شیوه‌های متفاوت شد. انسداد سیاسی، نفوذ آمریکا، اصلاحات ارضی، جنبش رادیکال دانشجویی دهه ۱۹۶۰، به‌عنوان عوامل مؤثر داخلی و خارجی، روش مبارزه مسلحانه چریکی را جایگزین شیوه مبارزات حزبی و متداول پیشین نمود. مضافاً در بُعد ایدئولوژیکی نیز مارکسیسم آمریکای لاتین، چریکیسم را تشدید می‌کرد. اما در این میان نقش تأثیرگذار درون‌مایه‌های رمان‌های چپ یا ادبیات چریکی موردغفلت واقع شده است.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است: «چگونه مضامین ادبیات داستانی بر گسترش چریکیسم و مبارزات مسلحانه جنبش‌های چریکی علیه حکومت پهلوی دوم تأثیر می‌گذاشت؟ (بررسی موردی سازمان چریک‌های فدایی خلق)» کوشش نظری پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تبیینی و اسنادی موید آن است: «مضامین ادبیات داستانی در جهان و ایران با تلفیق مضامین سه مکتب رمانتیسم، رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی در ترسیم تضاد طبقاتی فقرا و اغنیاء و با خلق قهرمان خیالی یا بازتعریف قهرمان واقعی به‌واسطه منازعه‌ای کردن امر سیاسی (خود و دیگری) سبب شدت مبارزه مسلحانه چریک‌های فدایی شده است». همراه با این پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی دیگری نیز مطرح است که درون‌مایه رمان‌های متأثر از اصول و عناصر مکاتب رمانتیسم، رئالیسم

انتفادی و رئالیسم سوسیالیستی چگونه می‌توانند کنش اجتماعی-سیاسی را به سوی تخصص کامل هدایت کنند؟ و قرینه‌های مؤلفه‌های مکاتب یادشده در رمان و چریکیسم متأثر از مارکسیسم آمریکای لاتین، به چه نحوی امر سیاسی (the political) را به امری سراسر ستیز بدل می‌کنند؟ و این که رمان چگونه با مدد ویژگی‌های مکاتب ادبی مذکور به گسترش عملیات‌های مسلحانه فداییان دامن می‌زد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها مقاله حاضر در قالب سه مقوله «نقش رمان و ویژگی‌های داستان‌نویسی در مکاتب رمانتیسیم، رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی در بیان مضامین»، «تأثیر مضامین ادبیات داستانی در پیدایش جنبش اجتماعی» و «نقش ادبیات داستانی و یا چریکی در جهان و ایران بر جنبش چریکی خاصه فداییان خلق» سامان می‌یابد.

## ۱- ادبیات پژوهش

درزمینه سیر تحول جنبش کمونیستی ایران و تغییر شیوه مبارزاتی آن، از مدنی به مسلحانه که از آن به چریکیسم یاد می‌شود، در علوم سیاسی، آثار متعددی منتشر شده است، اما در آنها اثری از نقش ادبیات داستانی چپ یا ادبیات چریکی بر شدت مبارزه فداییان به چشم نمی‌خورد. در ادبیات هم عناصر رمانتیسیم با مضامین چپ مانند احساس‌گرایی تند(سانت‌آنتالیسم)، یاس و نومیدی، مرگ و مرگ‌اندیشی، عصیان و نفرین، غم و اندوه، بازگشت به گذشته، روستاستایی، طبیعت‌گرایی، انتقاد از بی‌عدالتی، احیای حقوق تهیدستان و قهرمان‌گرایی دیده می‌شود، ولی پیوند آنها با جنبش چریکی رصد نشده است. تأثیر ادبیات داستانی چپ و چریکی در مکتب رئالیسم انتقادی و سوسیالیستی بر تحولات اجتماعی ایران بیشتر بر روی نقش آثار نویسندگان چپ روسیه بر جنبش کمونیستی ایران تمرکز داشته است و نسبت به اثرپذیری جنبش‌های چریکی، خاصه بر روش مسلحانه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران توجهی کانونی نشده است. با این وجود دکتر کامران عاروان در مقالات خود از جمله «کتاب و انقلاب؛ کارکرد کتاب‌های ممنوعه در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران»، با تأکید بر کتاب‌های ممنوعه در پیشبرد انقلاب، مشخص می‌نماید

نقش ادبیات داستانی چپ در گسترش چریکیسم و مبارزات مسلحانه جنبش‌های چریکی علیه حکومت پهلوی دوم..... ۱۶۵

که چگونه کتاب‌های ممنوعه به قلم ایدئولوگ‌های انقلابی به‌عنوان عوامل آگاهی‌بخش و تحریک مبارزان علیه رژیم در مسیر انقلاب موثر بود. ایشان یک گام پیشینه پژوهش را به جلو برد. اما پژوهش حاضر تنها با تمرکز بر رمان‌های مشهور چپ جهان و ایران، به رصد عبارات و جملات مبارزه‌جویانه برای تحقق جامعه آرمانی پرداخته و تأثیر آن را بر فداییان تبیین می‌نماید تا از این طریق به توسعه ادبیات چپ یاری رساند.

## ۲-مباحث نظری

### ۲-۱- ادبیات و نقش رمان در بیان مضامین

ادبیات با کارکردی روزآمد در پی تعلیم و تربیت است. «ادب در مفهوم عام خود متضمن ریاضت و تهذیب نفس برای نیل به ملکه‌ای تلقی می‌شود که به کمک آن بتوان از آنچه خطا یا مذموم محسوب می‌شود، دوری کرد» (زائری، ۱۳۹۴: ۲۸-۷). گونه‌های ادبی نوین با گوی سبقت از رقبای سنتی وارد این حوزه شدند. «رمان (Roman) در قرن ۱۷م در مقابل رمانس (Romance) به‌عنوان شکل ادبی غالب قرون وسطی مطرح و دن کیشوت، اثر سروانتس (۱۶۱۶-۱۵۴۷) نخستین رمان عصر مدرن شناخته شد» (زائری، ۱۳۹۴: ۱۱) این گونه ادبی جدید در انتقال مضامین مورد اقبال منتقدان قرار گرفت.

### ۲-۲- ویژگی داستان‌نویسی در مکتب رمانتیسیم

داستان می‌کوشد مفاهیم، مضامین، کیفیات روحی، درون‌مایه‌ها، پیام‌ها و حقایق را از پس ظاهر شخصیت‌ها به مخاطب القاء نماید و رمان، داستانی بلند، محصول عصر روشنگری و جنبش هنری، ادبی و فکری کلاسیسیسم در قرن ۱۸م است. عقل‌گرایی و تفکر منطقی و بیان آنچه واقعی و به دور از اغراق‌اند، از ویژگی‌های این جنبش بود که با واکنش نیروهای مخالف روبرو شد. «رمانتیسیم واکنشی در برابر عقل‌گرایی افراطی بود» (روشنی پایان، ۱۴۰۱: ۳۹). «واژه رمانتیسیم هم‌ریشه رمانس و رُم است. پیش از پیدایش رمانتیسیم، در رُم، ادبیات فاخر کلاسیک و در مستعمرات آن، آثار شفاهی درجه‌دوم رایج بود که در آغاز، به آنها رمانس گفته می‌شد. این آثار از اصول حاکم بر آثار کلاسیک تبعیت نمی‌کردند. در رمانس،

پدیده‌های متافیزیکی و قهرمانان خیالی وجود داشت و حوادث غیرطبیعی و شگفت‌انگیزی رخ می‌داد و عموماً ماجراجویانه بود و قهرمان شکست‌ناپذیری داشت» (نجفی، ۱۳۸۷: ۹۰). رمانتیسیم نگاه به قرون وسطی داشت و به دوران قدیم، ماقبل مدرن مربوط می‌شد. سبک داستان‌نویسی آن متأثر از روایات آن زمانه بود و به تبع، «رمانتیک مترادف با جذاب، پرشور، غیرواقعی، نامعقول، قهرمانانه، اسرارآمیز و پراحساس، انقلابی، بازگشت به طبیعت، کوششی برای فرار از واقعیت، ذهن‌گرایی، عشق به پدیده‌های نامتعارف و شگفت، آزادسازی سطوح ناخودآگاه ذهن، رؤیایی مستی‌بخش؛ تخیلی در تقابل با عقل و واقعیت، بود» (فورست، ۱۴۰۱: ۱۱-۱۵). نمودهای این اوصاف در رمان‌ها دیده می‌شد.

بیان احساسی در به تصویرکشیدن زندگی ضعیف و خلق قهرمان تخیلی برای تغییر و بازگشت به زندگی ساده روستایی با هدف بنای جامعه پاک و به دور از زندگی زمخت صنعتی و مدرن در بسیاری از آثار مکتوب و منظوم در اوایل قرن ۱۹ پدیدار شد. «برخی رمان‌ها عناصر فراعقلانی و احساسی و عاطفی رمانتیسیم را به نفع اندیشه‌های سوسیالیستی بکارگرفتند» (نجفی، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۱). از این رو احساسات‌گرایی، خیال‌پردازی قهرمان‌پرور و نیل به جامعه پاک که از آنها به عنوان عناصر رمانتیک در قالب مفهوم «رمانتیسیم سیاسی» یاد می‌شود، در تعمیق مضامین آثار مکاتب رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی نقش موثری داشته است.

## ۲-۳- ویژگی داستان‌نویسی در مکتب واقع‌گرایی

خصوصیات آثار ادبی در دوره باستان و کلاسیسیسم که در قرون وسطی مهجور شد، بار دیگر در عصر روشنگری در قرن ۱۸ م احیاء گردید. با این که در واکنش به عصر مدرن و صنعتی، مکتب رمانتیسیم در اوایل قرن نوزدهم پدید آمد، اما پس از افول آن در اواخر قرن نوزدهم، مکتب رئالیسم سفت و سخت‌تری پا گرفت که به دنبال خود مکتب نوینی را در ادبیات داستانی بر جای گذاشت. در این میان مکاتب رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی بیشترین بارسیاسی را در تحولات اجتماعی-سیاسی از قرن ۱۸ م به بعد به خود اختصاص داده‌اند. رئالیسم انتقادی منتقد وضع موجود است. «لئو تولستوی بنیان‌گذار آن

نقش ادبیات داستانی چپ در گسترش چریکیسم و مبارزات مسلحانه جنبش‌های چریکی علیه حکومت پهلوی دوم..... ۱۶۷

شناخته می‌شود. زیرا در آثارش به انعکاس تضادهای زندگی مردم، مالکان و دهقانان پرداخته است. پس از انقلاب اکتبر روسیه زادگاه رئالیسم سوسیالیستی شد» (هادی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۶). «مردم‌گرایی، ترسیم علل تنزل و تحقیر کرامت انسانی، رنج‌های بشری، انسان‌گرایی (مبارزه برای رفاه انسان‌ها و آزادی آنها)، مبارزان و پیکارجویان (قهرمانان) راه آزادی، بازنمایی لحظات خودآگاهی توده‌ها، توصیف مبارزه طبقاتی و محکوم کردن نظام حاکمه (سرمایه‌دار) از جمله عناصر رئالیسم سوسیالیستی است» (معبودی، ۱۳۹۸: ۵۳-۵۲). در داستان‌های رئالیستی، توصیفات واقع‌گرایانه است، نه خیال‌پردازی شاعرانه. مکتب واقع‌گرایی سوسیالیستی مخالف مکتب رمانتیسم است. با این وجود «در داستان‌های رئالیستی نیز عناصری از رمانتیسم به چشم می‌خورد. رمانتیست‌ها آثاری دارند که در آن بهتر از رئالیست‌ها غم و شادی مردم را بازنمایی می‌کنند» (نجفی، ۱۳۸۷: ۹۱). ملغمه‌ای از رمانتیسم و رئالیسم سوسیالیستی دیده می‌شود.

## ۲-۴- پیوند ادبیات داستانی چپ با جنبش اجتماعی

### ۲-۴-۱- نقش مکتب و آثار ادبی رمانتیسم در پیدایش جنبش‌های اجتماعی در جهان

رمانتیسم مورد توجه مخالفان مدرنیته بود. «پس از جنگ جهانی دوم ایدئولوژی‌های مغایر با روشنگری و لیبرالیسم از آن مدد جستند، زیرا می‌کوشیدند زیبایی‌گرایی را جایگزین عقل‌باوری نمایند. رمانتیک‌ها به جای آن‌که همانند اصحاب روشنگری عقل را به والاترین مرجعیت و معیار غایی حقیقت بدل کنند، چنین مرجعیتی را به شهودات و احساسات هنری می‌دادند» (بیزر، ۱۴۰۲: ۱۰۶-۱۰۳). بحران مدرنیته در دهه ۱۹۶۰ با جلوه‌های رمانتیک در جنبش دانشجویی بروز کرد و در چریکیسم غلیان یافت. البته پیش از آن، رمانتیسم در اوایل قرن بیستم توسط کارل اشمیت به حوزه سیاست راه یافته بود. وی «لازمه تکوین امر سیاسی را وجود تمایز بین خود و دیگری یا دوست و دشمن می‌دانست و نبود تضاد را مانع شکل‌گیری فعالیت سیاسی می‌دانست» (اشمیت، ۱۳۹۹: ۳۹-۳۱ و ۲۰۹-۲۰۴). «تمایزات قابل حذف نیست. هر هویتی خصلتی رابطه‌ای دارد و شرط وجود هر هویتی تایید یک تفاوت است» (موف، ۱۴۰۱: ۲۴-۲۵). در نتیجه رمانتیسم، نه به معنای زیبایی‌گرایی و همه

خودی، بلکه به معنی رمانتیسم سیاسی مبتنی بر آراء اشمیت و نیز متشکل از عناصر (احساسات‌گرایی، خیال‌پردازی قهرمان‌پرور و نیل به جامعه پاک)، در ادبیات داستانی چپ سبب تشدید رابطه ما و دیگری در پیدایش جنبش‌های اجتماعی می‌شد.

## ۲-۴-۲- تأثیر مکتب و آثار ادبی رئالیسم سوسیالیستی در تکون جنبش‌های اجتماعی در

### جهان

مارکسیسم فصل جدیدی از جنبش‌های اجتماعی را برای نیل به جامعه آرمانی مطرح کرد و قرائت‌های متعدد از آن، بر شیفتگی‌اش به‌عنوان الگوی پیشرفت به گسترش این جنبش‌ها کمک زیادی کرد. در این راستا تأثیر ادبیات داستانی در مکتب رئالیسم سوسیالیستی انکارناپذیر است. ترسیم درد و رنج طبقه استثمارشده کارگر و مقایسه آن با طبقه مرفه و لزوم آگاهی طبقاتی برای وحدت فرد با طبقه تأثیرگذار کارگر، سوژه رمان‌نویسان این مکتب شد. «در روسیه نیروهای مترقی سوسیالیسم و دموکراسی در هنر رمانتیک، ارزش‌های معنوی جاودانی می‌دیدند که به پیشرفت تاریخی خدمت می‌نماید، و از این رو به رمانتیسم به‌مثابه یکی از منابع رئالیسم می‌نگریستند و در مبارزه برای اومانیزم و آزادی خلق‌ها به آن تکیه می‌نمودند. بر این اساس، علامت مشخصه رمانتیسم، آرزوی بزرگ ریشه‌دار در واقعیت، به‌وسیله هنر مردم و به‌عنوان یک جزء وارد مکتب رئالیسم سوسیالیستی شد» (وانسلوف، ۱۳۹۸: ۷-۹). در نتیجه رمان‌نویس این مکتب از عناصر رمانتیسم برای ایجاد تغییر اجتماعی بهره می‌برد.

## ۲-۴-۳- اثرگذاری مضامین ادبیات داستانی چپ در منازعه‌ای کردن امر سیاسی

رمان رمانتیک سرشار از روایت روزگار سخت فقرا، تضاد طبقاتی و مبارزه قهرمانان برای دستیابی به جامعه ایدئال، به غیریت‌بخشی و ستیز کمک می‌کند، چون ساحت احساسی تعلیم نشده با سعه صدر میانه‌ای ندارد و دشمن‌انگاری و توجیه نابودی مخالفان را به مخاطب القاء می‌کند. ادبیات داستانی چپ هم، رقبای فکری و سیاسی را دشمن تمام‌عیار می‌پندارد و گرفتار مطلق‌انگاری می‌شود و اسلحه را جایگزین کلمه کرده و منازعات

نقش ادبیات داستانی چپ در گسترش چریکیسم و مبارزات مسلحانه جنبش‌های چریکی علیه حکومت پهلوی دوم..... ۱۶۹

مسلحانه را تنها راه علاج می‌داند. مضمون اصلی سنت مارکسیسم نیز، به محدودکردن امر سیاسی و تشدید وضعیت آنتاگونیستی کمک می‌نماید. «آنتاگونیسم، رابطه ما/آنهاست که دو طرف دشمنانی تلقی می‌شوند که در هیچ‌زمینه مشترکی سهیم نیستند» (خانه زر، ۱۳۹۹: ۸۵). «به اعتقاد شانتال موف «مارکسیسم عامل افزایش تضاد است و تكثر و تفاوت را به‌خاطر نسبت‌دادن نقشی ممتاز به پرولتاریا تقلیل می‌دهد و باعث زوال امر سیاسی می‌گردد. این درحالی است که امر سیاسی عرصه‌ای است که همه افراد جامعه در آن درگیرند. سنت مارکسیستی رقیب (opponent) را همچون یک مخالف (adversary) درک نمی‌کند، بلکه به‌مثابه یک دشمن (enemy) ویرانگر و مخرب می‌پندارد. این امر مانع ایجاد نوعی حوزه عمومی آگونیستی (agonistic) رقابتی پرتحرک و سرزنده می‌شود» (موف، ۱۴۰۳ الف: ۶/۱-۱).

ادبیات داستانی چپ تجلیات آنتاگونیسم (تخاصم کامل) است و با «اهریمن جلوه‌دادن رقیب، بنیاد دو ساحت و دو اردوگاه آنتاگونیستی را بین طرفداران چپ و دنیای سرمایه‌داری ایجاد می‌کند که متقابلاً از سوی دو جبهه تشدید می‌گردد» (موف، ۱۴۰۳ الف: ۳۷-۲/۲). «برای تغییر وضعیت از آنتاگونیستی به آگونیسم (سیاست رقابتی) هم تلاشی صورت نمی‌گیرد» (خانه زر، ۱۳۹۹: ۸۶-۸۵). خلق قهرمان مزید بر علت است زیرا «هویت قهرمان اصلی یا پروتاگونیست (protagonist) در مقابل ضدقهرمان یا نظام حاکم (antagonist) شکل می‌یابد» (بهادرون، ۱۳۸۰: ۲۴). و با مدد رمانتیسم سیاسی سبب جدلی‌ترشدن امر سیاسی می‌شود.

### ۳- تأثیر ادبیات داستانی چپ در جهان بر جنبش‌های چریکی قرن بیستم

#### ۳-۱- مروری بر تحول جنبش کمونیستی جهانی

در اواخر قرون هجدهم و نوزدهم، چپ و چپ‌روی با هدف ایجاد تغییرات انقلابی در ساختار اقتصادی ناعادلانه، درمقابل اصلاحات تدریجی در اندیشه راست، پا به عرصه وجود نهاد و سوسیالیسم و نظام سرمایه‌داری دور جدیدی از پیکار را آغاز کردند. سپس مارکسیسم اروپایی و پس از آن، مارکسیسم روسی در این پیکار پدید آمدند. بهبود وضعیت

معیشتی اقشار زحمتکش و طبقه کارگر از طریق تشکیل تشکلهای مدنی مدنظر اندیشه چپ بود. مارکسیسم-لنینیسم پس از تطبیق با شرایط جامعه روسیه با ابتکار عمل لنین، جنبه عملیاتی یافت و کم‌کم با تکوین احزاب کمونیستی موردمحایت شوروی در جهان، فصل نوینی از ستیز را با سرمایه‌داری شکل داد. الگوی مبارزه مدنی و حزبی در جنبش کمونیستی جهانی پس از تنش‌زدایی شوروی و آمریکا دستخوش تغییراتی گردید و در قالب مارکسیسم-مائوئیسم و مارکسیسم آمریکای لاتین به مبارزه مسلحانه بدل شد.

«چریکیسم» (چریک‌گرایی)، پیروی از مشی متأثر از آخرین تحول مارکسیسم در دهه ۱۹۵۰ به‌ویژه در آمریکای لاتین بود. آثار تئورسین‌هایی چون رژی دُبره و کارلوس ماریگلا، و نیز تعلیمات نظامی چه‌گوارا و کاسترو، مارکسیسم را به‌ورطه افراط کشانید و در آن نقش طبقه کارگر به‌عنوان کنشگر تاریخی به تنها تمرکز بر چند گروه چریکی فروکاسته شد. در این سنخ مارکسیسم، عمل برجسته گردید و جنگ چریکی امری مطلق شناخته شد که توسل به آن، صرف نظر از تحقق شرایط عینی و ذهنی، در هر مکانی و زمانی کارآمد تلقی می‌شد. در نتیجه ذائقه چریکیسم رمان‌هایی بود که در عین آشتی‌ناپذیر جلوه‌دادن تضادهای طبقاتی، شجاعت بی‌باکانه را در قالب شخصیت‌های قهرمان برای تغییر اجتماعی ترویج دهد.

### ۳-۲- مروری بر تحول جنبش کمونیستی ایران

فعالیت جریان چپ در ایران به انقلاب‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ روسیه بازمی‌گردد. وضعیت اقتصادی نامساعد ایران زمینه‌گرایش به مارکسیسم-لنینیسم را فراهم آورد. کارگران مهاجر ایرانی به قفقاز مروجان آن بودند. پیش از آن تئورسین‌های چپ در ایران به اشاعه آن دامن زده بودند. حزب توده به‌عنوان سومین تجربه چپ، بعد از حزب کمونیست ایران و گروه ۵۳ نفر در ایران پایه‌گذاری شد. این حزب در قالب جبهه ضدفاشیسم (آلمان نازی) تشکیل و به‌سرعت به واسطه قدرت‌یابی جنبش کمونیستی جهانی، در ایران به منسجم‌ترین حزب سازمان‌یافته بدل شد. عملکرد نامطلوبش چنان که ذکر شد، سرآغاز فعالیت جنبش کمونیستی نوینی در پرتو مارکسیسم-مائوئیسم و مارکسیسم-آمریکای لاتین با مشی مسلحانه در جنبش‌های چریکی از جمله سازمان چریک‌های فدایی خلق شد.

روند شکل‌گیری جنینی این سازمان با ابتکار بیژن جزنی که از اعضای باسابقه حزب توده بود قبل از ۱۳۳۹ با ۱۴ عضو آغاز شد. «فاز دوم فعالیت گروه جزنی حدوداً از فروردین ۱۳۴۵ با پیوستن حسن ضیاء‌ظریفی که قبلاً جزنی را می‌شناخت، شروع‌گردید» (رهنما، ۱۴۰۱: ۱۷۹، ۱۸۷). این گروه، معروف به گروه جزنی-ضیاء‌ظریفی پایه‌گذار نظری و نخستین تجربه مشی‌چریکی را در تاریخ مبارزات جنبش‌های چریکی رقم زد. پیشینه نشست‌های نظری و جنگ چریکی شهری آنها به اواسط دهه ۴۰ بازمی‌گشت. «در اردیبهشت ۱۳۴۵ با وساطت ضیاء‌ظریفی، و صلاح‌دید جزنی، گروه عباس سورکی هم به آنها پیوست» (رهنما، ۱۴۰۱: ۱۸۹-۱۸۸). «بقایای قدیمی گروه جزنی که پس از دستگیری وی به گروه جدیدی تبدیل شده بودند و گاهی از آنها به‌عنوان گروه جنگل نام برده می‌شد و تحت رهبری غفور حسن‌پور، حمید اشرف و علی‌اکبر صفایی بودند، با گروه دیگری که در موازات با آنها مشی چریکی را سرلوحه مبارزه با حکومت پهلوی قرار داده بودند، در سال ۱۳۴۹ پیش از عملیات مشترک در سیاهکل به هم ملحق شدند. گروه دوم، گروه امیرپرویز پویان-مسعوداحمدزاده، و با حضور عباس مفتاحی متشکل از انقلابیون جوان بودند که در میانه‌های دهه ۱۳۴۰ مسیرهای مستقل و موازی را برای تحکیم و گسترش خود دنبال می‌کردند» (رهنما، ۱۴۰۱: ۲۳۱). این سازمان در سال ۱۳۵۰ اعلام موجودیت کرد. پس از شکست عملیات مسلحانه سیاهکل (۱۹ بهمن ۱۳۴۹)، و کشته‌شدن پویان، احمدزاده و مفتاحی در ابتدای دهه ۱۳۵۰، حمید اشرف عملاً تا اواخر ۱۳۵۵ رهبر این سازمان شد. رشد سازمان متأثر از عواملی بود که در آن، نقش ادبیات داستانی مغفول مانده است.

### ۳-۳- نقش ادبیات داستانی اروپا

ادبیات داستانی چپ در اروپا در واکنش به عصر روشنگری و نفوذ تفکر عقلانی به حوزه‌های علوم انسانی شکل گرفت. مکتب رمانتیسم با طبیعت‌گرایی و صفای بازگشت به زندگی روستایی به ضدیت با صنعتی‌شدن پرداخت. مکاتب رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی نیز به مدرنیته تاختند و با کمک رمانتیسم عمق تباهی زندگی کارگران را که حاصل ستم صاحبان کارخانجات بود، بازنمایی نمودند و در این میان نقش بی‌همتای اندیشه روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸) در تاروپود رمان‌های چپ انکارناپذیر است. اگرچه او خود

رمانی نوشت، اما اندیشه او در قالب هشت مولفه الهام‌بخش رمان‌های چپ بود: «احساسات‌گرایی؛ نقد مالکیت خصوصی؛ ضدیت با صنعتی‌شدن؛ تضاد شهر و روستا؛ آموزش و پرورش؛ انعقاد قرارداد اجتماعی مبتنی بر رضایت عموم؛ اراده عمومی؛ نیل به جامعه آرمانی». این عناصر در قالب مضامین رمان‌ها با تشدید مضاعف تضاد طبقاتی، بر چریکیسم موثر بوده‌اند. در این ارتباط غلامحسین زیرک‌زاده، نخستین مترجم آثار روسو در سال ۱۳۲۵ معتقد است «که سرچشمه تمام نهضت‌های رنجبران و زحمتکشان دنیا، تمام خواسته‌های احزاب دست‌چپ و افراطی، تمام مبارزاتی که از مدت‌های پیش تا امروز علیه ثروت و مالکیت انجام گرفته است، باید در افکار روسو جستجو کرد، لیکن او تأکید می‌کند که روسو در مسائل اجتماعی مرام روشن و واضحی ندارد و برای طرفداران اصلاحات اجتماعی برنامه قطعی و صریحی تعیین نکرده است، بنابراین هیچ یک از مکتب‌های سوسیالیستی و کمونیستی و غیره خود را منتسب به روسو نمی‌دانند» (روسو، ۱۳۶۸: ۳). از این‌رو آثارش مورد استقبال چریک‌ها برای تغییر اجتماعی در حکومت پهلوی بود. ناامیدی مردم ایران از شکست جنبش آزادی‌خواهی، فقر و آسیب‌های گذار به جامعه صنعتی، معیشت نازل طبقه کارگر، با تأخیر دو‌یست ساله، شبیه فرانسه در قرن هجدهم بود. اینکه می‌گویند رمانتیسم روسویی متعلق به قرن هجدهم است، و این موضوع چه ربطی به قرن ۲۰ در ایران دارد، پویان پاسخ مناسبی به آن می‌دهد. وی با اشاره به بهره‌کشی از کارگران ایرانی توسط کارخانه‌های بورژوازی می‌گوید: «آنها در قرن ۱۸ به سر می‌برند، و فقط این امتیاز را دارند که از سلطه پلیس قرن ۲۰ نیز برخوردارند» (پویان، بی‌تا: ۱۳). اندیشه روسو برای رفع آسیب‌های صنعتی‌شدن، ابزار نظری مناسبی برای چریک‌ها بود. «بیژن هیرمن‌پور - هم‌کلاسی مسعود احمدزاده در دانشگاه - به تأثیرپذیری از آثار روسو اعتراف می‌کند» (نادری، ۱۴۰۳: ۲۵۲/۱).

در ذیل به برخی از آثار چپ جهان اشاره می‌شود:

### رمان ژان کریستف

مهمترین اثر رومن رولان (۱۸۶۶-۱۹۴۴) نویسنده فرانسوی در سبک ادبی رئالیسم انتقادی است. رمان *ژان کریستف* که شخصیت خیالی داستانی به‌همین نام است در سال ۱۹۱۱ منتشر شد. «این رمان مورد علاقه بیژن جزنی بوده که ساواک هنگام بازرسی از منزل وی در کتابخانه شخصی او می‌یابد» (چپ در ایران، ۱۳۸۰: ۱۸۱). کریستف، کودکی آلمانی سخت‌کوشی است که با فراگیری نواختن پیانو به تدریج به آهنگ‌ساز و موسیقیدان حرفه‌ای بدل می‌شود. با وجود آنکه خود شغل دولتی داشت، پس از مدتی علیه آثار استادان مسلم موسیقی و آهنگ‌سازان شهیر زمانه خود که مورد احترام جامعه بودند، سر به شورش زد و آنها را آماج انتقادات سخت و کوبنده قرار داد و آثارشان را دروغین خواند. در دوران شورش بی‌امان بر ضد بُت‌های زمان کودکی، برای اصلاح هنر آلمانی، به ایدئالیسم آلمانی که قرن‌ها مسلط بود، تاخت. او باور داشت: «حقیقت نزد همه یکی است؛ ولی هر ملتی دروغ‌های خاص خود را دارد که بدان نام ایدئالیسم می‌نهند. هر کس از هنگام زادن تا مرگ آن را با هوا نفس می‌کشد؛ و این دیگر برایش یکی از شرایط زندگی شده است: تنها چند نابغه می‌توانند از پس بحران‌های شیرمردانه- بحران‌هایی که در طی آن خود را در جهان آزاد اندیشه خویش تنها می‌بینند- از چنگ آن رهایی یابند» (رولان، ۱۳۵۷: ۲۱). کریستف از اینکه «گنجینه هنری یک ملت بزرگ از چه انبوه مبتذلات و دروغ‌ها تشکیل شده است، در تعجب افتاد» (رولان، ۱۳۵۷: ۲۵). «او دلیرانه یک شکل هنری تازه‌ای را در محافل بزرگ موسیقی مطرح می‌کرد» (رولان، ۱۳۵۷: ۱۲۲ و ۱۳۱، ۱۳۸). این رمان، الهام‌بخش مبارزان بود و بسیاری از چریک‌ها نیز ارزش‌های حاکم در دوره پهلوی را زیر سوال می‌بردند و به دنبال جامعه مطلوب معادل کمونیسم بودند. «اشرف دهقانی، از رهبران فدائیان، جامعه ایران را در عصر پهلوی سیمایی از جامعه کثیف طبقاتی می‌پنداشت و به دنبال دنیای زیبای کمونیسم بود که دیگر در آن از تحکم و اطاعت کردن خبری نباشد» (دهقانی، ۱۳۵۷: ۲۴۴-۲۴۲ و ۱۹۳).

### رمان فوتنامارا

اثر فاخر اینیاتسیو سیلونه (۱۹۰۰-۱۹۷۸) نویسنده ایتالیایی است در سبک ادبی رئالیسم انتقادی است که در سال ۱۹۳۱ منتشر شد. تیراژ این رمان در ایران در سال ۱۳۴۷ در اولین چاپ به پنجاه هزار نسخه رسید. این رمان مورد مطالعه بیژن جزنی قرار گرفته است. «وی در کتاب خود با عنوان وقایع سی ساله اخیر ایران، با مقایسه تطبیقی رشد سرمایه‌داری در ایران، آمریکا و ایتالیا، به دو مسئله نظام تولیدی در روستا و کیفیت ورود استثمار بورژوازی به روستاها اشاره و تصریح می‌کند که برای نمونه این فرآیند در «خوشه‌های خشم» و «فوتنامارا» در ایالات متحده و ایتالیا چگونه ترسیم شده است» (جزنی، بی‌تا، ۱۲۹). فوتنامارا روایت نبرد مردمان ستمدیده روستاهای فاقد زمین حاصلخیز و آب مکفی، با مالکان و اربابان صاحب جلگه و اراضی حاصلخیز به نام «فوجینو» تحت حمایت نیروهای پلیس فاشیستی موسولینی در ایتالیا است.

فوتنامارا نام دهی تصویری و خیالی است که پرت و دورافتاده در شمال ناحیه‌ای موسوم به دریاچه فوجینو، در دره‌ای در فاصله میان جلگه‌ها و سلسله کوه‌ها، تپه‌ها و دور از ایاب و ذهاب در ایتالیا واقع شده است. «این ده قدیمی و گمنام محل اسکان کشاورزانی فقیر است. در مقابل، ملک اربابی فوجینو به علت مجاورت با دریاچه همواره حاصلخیز بود. مساحتی بالغ بر ۳۵۰۰۰ جریب بود که متعلق به شاهزاده «تورلونا» است. اهالی فوتنامارا به علت فقدان زمین‌های کشاورزی مجبور شده بودند به صورت رعیت در آنجا در قالب اجاره‌دار اراضی حاصلخیز برای «تورلوگون‌ها» (اربابان و فئودال‌های مالک آن منطقه) کار کنند. کشمکش و ستیز میان اهالی فوتنامارا و تورلوگون‌ها اساس این رمان است» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۵، ۹، ۱۰، ۲۱، ۸۸، ۱۰۳).

فوتنامارایی‌ها به‌رغم کار طاقت‌فرسا، مقروض بودند و «در این ده هیچ خانواده‌ای بدون دعوای حقوقی وجود نداشت به محض اینکه پولی برای پرداخت به وکلای دعوای پیدا می‌شد، شریانه [طرفین دعوای] جان می‌گیرند و همیشه مرافعه است» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۹). همه‌چیز مثل گذشته پیش می‌رفت تا اینکه حوادثی پیش‌بینی نشده و باورنکردنی روی داد که زندگی بی‌روح عهد دقیانوس را در فوتنامارا به کلی زیر و رو کرد» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۱).

جنبش بطئی و کُند مردم فونتامارا که «با قطع برق شروع شده بود، در مرحله دوم یک گام به پیش نهاد. یورش سیاه‌جامگان فاشیست به روستا و منع آمدوشد برای دستگیری یک چریک مبارز که پیش از آن به این روستا پناه آورده بود، سبب شده بود که دولت مرکزی، فونتامارا را به‌مثابه لانه مخالفان و مبارزان حکومت بشناسد. مرحله سوم جنبش، هجوم گسترده فاشیست‌ها به روستا برای انتقام‌جویی از تجمع ده‌هزار نفری اهالی فونتامارا و روستاهای اطراف در شهر رُم در مقابل دادگستری رخ داده بود، به شمار می‌آمد. این تحصن مدتی پیش از آن، برای استیفای حقوق روستائیان در مورد املاک جلگه فوجینو برپا شده بود. سیاه‌جامگان فاشیست با حمله به فانتامارا شیشه‌های منازل و کلیسا را به رگبار بستند و عده‌ای را مجروح و به قتل رساندند. اما آنچه سبب تسریع جنبش شد، انعقاد موافقتنامه بین اهالی فونتامارا و اربابان بر سر نحوه تسهیم‌بندی آب بود. با انعقاد آن روستائیان عملاً هیچ آبی را به دست نمی‌آوردند، گرسنگی بر روستا حاکم می‌شد و دیگر فونتامارا جای حیاتی برای ساکنانش نداشت» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۴۰-۱۸). «اهالی فونتامارا از این قرارداد ظالمانه و ننگین با تعابیر «آخرین قطره آب را هم بُردن» و «تسلیم به گرسنگی» یاد می‌کردند» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۴۳ و ۱۳۸). «آنها در همه جهت در چنبره قدرت بودند: «تورلوگن‌ها (مالکان و اربابان)؛ عوامل مزدور دوست‌نمای حکومت؛ وکلای مدافع (که میان خانواده‌های روستایی هرچه بیشتر به بدگمانی و سوءظن دامن می‌زدند تا درآمد ناچیز آنها را به یغما ببرند)؛ بانکداران (که از طریق سفته‌های بانکی رعایا را بدهکار می‌کردند)؛ کلیسا (که آموزه‌هایش تسلیم‌پذیری، تقدیرگرایی و توجیه‌گر و نیز تطهیرکننده تظلمات بود)، و در آخر نیروهای پلیس فاشیستی موسولینی». با این حال مخالفت با عناصر قدرت وجود داشت، به‌ویژه در جریان قرارداد تقسیم آب» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۴۷-۱۰۱). «نخستین اعتراض «از سوی «بالدیسرا»، «اسکارپونه» و «براردو» بود. براردو، از جمله مردان فهیمی بود که هنگام انعقاد این قرارداد پیوسته انتقاد می‌کرد و روحیه مبارزه‌جویی داشت. او پس از انعقاد قرارداد، ناامیدانه به فکر مهاجرت افتاد» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۴۴ و ۱۵۵).

براردو راهی اداره مهاجرت در رُم با هدف اشتغال به کار آبیاری در اداره دولتی شد. «به علت ارتکاب اعمال ضدمیهنی فاقد صلاحیت شناخته شد. او پس از شنیدن خبر

ردصلاحیتش، درحالی که چندین روز گرسنه، سرگردان و مستاصل در رُم بود و قصد عزیمت به فونتامارا را داشت، با جوانی که اهل روستای «آوه تسانو» در جوار فونتامارا بود، هم صحبت شد. سپس به رستورانی رفته و در آنجا مرد جوان از هویت فردی ناشناسی سخن گفت که او روزنامه‌هایی را مخفیانه علیه حکومت منتشر می‌کند و در آن، افتضاحات عملکرد حکومت را آشکار و کارگران را به اعتصاب تحریک می‌نماید و آنها را وادار به عدم اطاعت می‌سازد» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۶۷-۱۵۹). وی افزود: «افرادی که با اوراق ممنوعه پیدا میشن اعتراف می‌کنن که اونارو از ناشناس منزوی گرفتن» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۶۷). «براردو وقتی شنید که دامنه شورش‌ها رفته‌رفته به فونتامارا و روستاهای اطراف می‌رسد، بسیار خرسند شد. هنگامی که آن دو در حال گفت و شنود بودن، پلیس به آنها مظنون شد و علی‌رغم صحت اوراق هویتی، آنها را به علت اختفای «بسته‌ای لفاف پیچ» که گویا روزنامه بود و در زیر قفسه لباسی قرار داشت، بازداشت و زندانی کرد. براردو در حبس خود را جای آن غریبه ناشناس زد و جرایم سیاسی‌اش را گردن گرفت و اعتراف کرد: «بسته‌ای که توی رستوران نزدیک پیدا شده، به من تعلق داره، من بودم که آنها رو چاپ کردم. من همان غریبه منزوی هستم» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۷۳-۱۶۸). بازپرس می‌خواست محل طبع روزنامه غیرقانونی را بیابد، اما براردو لام‌تاکام سخنی نگفت. پس از شکنجه فراوان در زندان به قتل رسید.

کشته شدن براردو الهام‌بخش مبارزه و نضج گرفتن جنبش روستاییان شد که پلیس فاشیست مشغول سرکوب کردن آنها بود. «در بحبویه مبارزه، آن مرد ناشناسی که براردو خودش را جای او زده بود، به روستای فونتامارا آمد و نخستین روزنامه دهقانی را چاپ نمود. عنوان آن «چه کار می‌توانیم بکنیم؟» تعیین شد. این روزنامه منتشر شد و در فونتامارا و روستاهای اطراف توزیع گردید. روزنامه «چه کار می‌توانیم بکنیم؟»، جنبش تغییرخواهی را وارد مرحله جدیدی کرد و سرآغاز جنگ بین روستاییان و اربابان گردید. درحالی‌که اربابان از حمایت پلیس برخوردار بودند و نیروهای فاشیستی به سرکوب رعایا می‌پرداخت. مبارزان با تعیین عنوان روزنامه دهقانی «چه کار می‌توانیم بکنیم؟»، درصدد بودند که

حس مسئولیت‌پذیری را میان روستاییان ستم‌دیده برانگیزاند که هرکس به اندازه خود شعله‌های آتش مبارزه را فروزان‌تر نماید» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۸۶-۱۸۱).

رمان فونتامار همچون دیگر رمان‌ها رودرویی دو جبهه متخاطم را بازنمایی می‌کند، با این تفاوت که در این اثر سیلونه، ستم‌پیشگان، مشتمل بر شبکه‌ای به هم پیوسته از نظام فئودالی- عوامل فاسد حکومتی حقه‌باز- کلیسای تطهیرکننده- ستم‌نیروی پلیس فاشیستی است. با وجود شهامت براردو، این رمان فاقد قهرمان اصلی است تا به مخاطب بفهماند که هرکس در راه مبارزه خودش می‌تواند منشأ اثر باشد. نویسنده رمان نشان داد که بخش کوچکی از هر کشور می‌تواند کل کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد. به‌گفته سیلونه: «فونتامارا که روی هیچ نقشه‌ای پیدا نمی‌شد، مضمون بگومگوها و حدس و گمان‌های عجیب و غریب شد» (سیلونه، ۱۳۴۷: ۱۱). تأثیرگذاری یک روستا بر کل ایتالیا الهام‌بخش جنبش‌های آزادی‌بخش از جمله فداییان بود. «از این نظرگاه رمان فونتامارا مطابق با تئوری فوکویسم رژی دُبره، نظریه پرداز که از آن به‌عنوان اصول پیوند موتور کوچک و موتور بزرگ یاد می‌کند، است. «حرکت آن پیشاهنگ چریکی یا موتورکوچک به‌عنوان عامل خارجی و جنبش‌توده‌ای یا موتور بزرگ به‌مانند عامل داخلی در طی زمانی با یکدیگر تماس مستقیم برقرار می‌کنند» (دُبره، ۱۳۵۸: ۱۱۳) و نتیجه این پیوند سرنگونی رژیم حاکم است. همان‌گونه که سیلونه روستا را سرآغاز مبارزه قرار داد، از منظر چریک‌ها به‌ویژه دُبره، روستا/ کوهستان نقش ویژه، و شهر اهمیت کمتری داشت: «کوهستان، بورژوا و عوامل دهقانی را پرولتر می‌کند، و شهر نیز می‌تواند پرولترها را بورژوا کند» (دُبره، ۱۳۵۷: ۷۷). سیلونه در رمان خود مضمون اصالت عمل را به مخاطبان منتقل می‌کند. اصالت عمل جایگاه رفیعی در نزد فداییان داشت. به‌گونه‌ای که بیژن جزنی ضمن تشریح عوامل گرایش به مبارزه مسلحانه معتقد بود: «مهمترین ضعف رهبری حزب توده هراس از عمل و به کار نبردن نیروهای خود [افسران نظامی حزب توده] در مقابله با دشمن بود» (جزنی، ۱۳۵۷: ۱/ ۵۶). «پویان و حمید اشرف نیز بر عمل مسلحانه تأکید می‌کردند» (پویان، بی‌تا، ۳۱-۲۶؛ اشرف، ۱۴۰۰: ۷۸). این امر آنها را به مبارزه بی‌امان می‌کشاند.

مهد نظام سرمایه‌داری از نظر سبک ادبی متکی به رئالیسم بورژوا است «که اساساً دل‌بسته وضع موجود است و ترقی سرمایه‌داری را شکل طبیعی تکامل اجتماعی می‌پندارد» (خاتمی، ۱۳۸۵ : ۱۰۵). با وجود آن، ادبیات چپ نمایان است.

### رمان پاشنه آهنین

شاهکار جک لندن (۱۸۷۶-۱۹۱۶) در سبک ادبی رئالیسم انتقادی و «نافدترین اثر او بر اندیشه چپ است. در سال ۱۹۰۷ و تحت تأثیر شکست انقلاب ۱۹۰۵ کارگری روسیه طبع شد. لندن تمام ملاحظات خویش را درباره مبارزات کارگری سوسیالیستی و بیم‌ها و امیدها و آینده درخشان آن، در اثر پاشنه آهنین گنجانده است» (لندن، ۱۳۳۱: ۵، ۶، ۷، ۵). این رمان در ایران در ۱۳۳۱ منتشر شد. وجه تسمیه پاشنه آهنین، حکومت سلطه‌گر و هراسناکی است که به‌سان انسانی قدر قدرت با راه رفتن بر روی لاشه خاک‌شده ضعیفان، همه را مرعوب خود می‌سازد. چریک‌های فدایی نیز متأثر از این رمان بوده و از وجه تسمیه پاشنه آهنین در آثار خود در تطبیق شرایط ایران و آمریکا استفاده کرده‌اند. در کتاب «قیام بهمن ماه و دولت کنونی»، نوشته «گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (پیکار خلق)»، با اشاره به سیر تحول نظام سرمایه‌داری جهانی و صدور نظام سرمایه آمده است: «از سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۴ صدور سرمایه امپریالیستی تشدید شد. با افزایش صدور سرمایه امپریالیستی در ایران و رشد سرمایه‌داری دلال از سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۵۳، دولت در چنین شرایطی است که مطابق قسمت اعظم سرمایه‌های به حرکت افتاده [۱]، در جوامع تحت سلطه امپریالیسم در جهت بسط و گسترش [۱]، قدرت نظامی به کار می‌برد و در ایران، ما با پدیده نظامی‌گری بی در و پیکر رژیم فاشیست پهلوی روبه‌رو هستیم. به هر حال به موازات رشد سرطانی سرمایه، دستگاه‌های عریض و طویل بوروکراتیک-نظامی [۱]، تمام شئون جامعه را در زیر پاشنه آهنین خود می‌گیرد» (گروه انقلابیون مارکسیست...، بی‌تا: ۹). خواندن این رمان در کتاب «طرحی برای آموزش؛ پیرامون ضعف تئوریک جنبش کمونیستی» که از جمله نشریات سازمان چریک‌های فدایی است، توصیه می‌شد» (طرحی برای آموزش...، ۱۳۵۸: ۷).

در این رمان «پاشنه آهنین حکومت استثمارگر و بی‌رحم سرمایه‌داری آمریکا است که بر روی لاشه خاک‌شده مبارزان اعضای حزب کارگر راه می‌رود و برای پرولتاریا با دستمزد بسیار ناچیز رمق مبارزه وجود ندارد» (لندن، ۱۳۳۱: ۹). اجزای نیروبخش آن عبارت است: «الیگارش‌ی طبقه سرمایه‌دار و صاحبان کارخانجات و تراست‌ها؛ بانکداران بزرگ؛ مدیران ارشد شرکت‌ها؛ افسران عالی‌رتبه ارتشی؛ وکلای مستخدم کارخانجات و متنفذ در دادگاه‌ها؛ قشرهای مرفه کارگری؛ دستگاه جاسوسی و مأمورین بی‌شمار مخفی؛ مزدوران و نفوذی‌های الیگارش‌ی، و کشیشان کلیسا» (لندن، ۱۳۳۱: ۲۷۳-۲۷۱، ۷۹، ۱۵۱-۱۵۰، ۲۸۰، ۲۸۲-۲۸۱).

پاشنه آهنین با تشکیل یک بلوک سیاسی واحد در سراسر آمریکا اعمال سلطه می‌نماید.

رمان پاشنه آهنین سیر تحول ۳۰۰ ساله نظام سرمایه‌داری در آمریکا است. در تبیین این تحولات، نهایتاً «الیگارش‌ی» که کنایه از طبقه سرمایه‌دار در آمریکا در اوایل قرن بیستم توانست انرژی تغییرخواهی طبقه پرولتاریای انقلابی را با تأسیس سندیکاها و کارگری از طریق اعطای دستمزد بالا، افزایش مزایا، تقلیل ساعات کار تخلیه کند و میان کارگران قشر بندی ایجاد و وحدت و انسجام پیشین کارگران انقلابی را برای آرمان جامعه سوسیالیستی به یک‌باره تضعیف نماید و بدین طریق ظرفیت پیدایش انقلاب سوسیالیستی را به‌ویژه در آمریکا از میان ببرد. این رمان از این جهت مورد توجه جنبش‌های آزادی‌بخش به‌ویژه چریکی قرار می‌گرفت که آراء و نظرات کارل مارکس را عملاً در جامعه آمریکا و اروپا عملیاتی می‌نمود. آمریکا در اوایل قرن ۲۰ با تسخیر بازارهای کشورهای دیگر، توانست در بازارهای جهانی نقشی برجسته ایفا نماید و با گسترش نظام سرمایه‌داری، به پاشنه آهنین اجازه می‌داد که بر روی چهره‌های انقلاب‌های سوسیالیستی در جهان راه برود و مانع تکوین جمهوری‌های سوسیالیستی و پرولتاریایی انقلابی شود.

در این اثر تلاش‌های پاشنه آهنین برای سر به نیست کردن قهرمان خیالی داستان که ارنست اورهارد (Ernest Everhard) است، به تصویر کشیده شده است. لندن در این رمان کاربست آموزه‌های مارکسیستی را در آمریکا و اروپا بازنمایی می‌نماید و پیش‌بینی نوآورانه خویش را در عملکرد دولت‌های رفاهی که بعدها به واقعیت پیوست، در واگرایی طبقه کارگر مطرح می‌کند. با این وجود، او در انتظار جامعه آرمانی برآمده از یک قیام

جهانی است که طی آن جنبش‌های سوسیالیستی پس از شکست اولین قیام نهضت کارگری که در زمان حیات ارنست اورهارد به وقوع پیوست، در دومین قیام بین‌المللی کارگران که احتمال وقوع آن در اواسط قرن ۲۰ تخمین زده شده، بر پاشنه آهنین پیروز خواهند شد.

جک لندن آرمان سوسیالیستی خویش را از طریق شخصیت ارنست اورهارد دنبال می‌کند و در این رمان، «چارمین لندن»، همسر ارنست، راوی این داستان است. «اورهارد از طبقه کارگر و فقیر بود. لباسی ساده بر تن داشت، اما شجاع و دارای عضلاتی قوی و ستر بود و از هیچ چیز نمی‌هراسید. به گفته چارمین: «او فوق انسان بود» (لندن، ۱۳۳۱: ۲۶-۲۵). «ارنست فرزند کارگر بود. ده ساله بود که در یک کارخانه مشغول کار شد و کمی بعد به کار نعلبندی پرداخت» (لندن، ۱۳۳۱: ۴۳). «او خودآموز بود و رفته‌رفته نویسنده در حوزه فلسفه طبقات زحمت‌کش گردید و آثار متعددی در حوزه مبارزه طبقاتی بین طبقه کارگر و سرمایه‌دار از خود به جای گذاشت» (لندن، ۱۳۳۱: ۴۵-۴۳). «از آن به‌عنوان فیلسوف کارگر یاد می‌شود» (لندن، ۱۳۳۱: ۴۶). «او بر تعارض و آشتی‌ناپذیری منافع کارگران و نظام سرمایه‌داری تأکید می‌ورزد» (لندن، ۱۳۳۱: ۴۸). «ارنست در مراتب فرهیختگی خود به یکی از روسای جنبش انقلابی کارگری آمریکا بدل می‌شود و در ترسیم سیمای آینده، از انهدام قریب الوقوع نظام سرمایه‌داری در آمریکا خبر می‌دهد» (لندن، ۱۳۳۱: ۱۵۰-۱۴۱). سرانجام ارنست با شکست اولین قیام نهضت کارگری در سال ۱۹۳۲، بازداشت و سپس اعدام می‌گردد. اما این مبارزه به‌سان چوب امدادی از طریق همسرش برای تحقق دومین قیام عمومی که در نیمه دوم قرن ۲۰ پیش‌بینی می‌شود، ادامه می‌یابد.

او سال‌ها پیش از شکست اولین قیام نهضت کارگری که در زمان حیات وی صورت گرفت، طرح‌هایی علیه نظام سرمایه‌داری داده بود که توسط پاشنه آهنین در نطفه خفه شد. برای نمونه «ارنست در تهیه طرح نخستین قیام علیه پاشنه آهنین در کمون شیکاگو در بهار ۱۹۱۸، انقلابیون همفکرش را به اعتصاب عمومی، خرابکاری (سابوتاژ) از جمله انفجار پل‌ها، تونل‌ها و شبکه‌های راه‌آهن دعوت می‌کند» (لندن، ۱۳۳۱: ۲۸۰-۲۷۹). این شیوه‌های قهرآمیز بعدها توسط کارلوس ماریگلا در قالب: «اعدام انقلابی پلیس به واسطه بیدادگری و جنایتش علیه مردم؛ حمله به بانک‌ها و مصادره پول برای تأمین گروه‌چریکی؛ حمله به

پایگاه پلیس و ضبط اسلحه؛ به آتش‌کشیدن مراکز استراتژیک؛ ساخت بمب و وسایل انفجاری-پرتابی برای تخریب (سابوتاژ) کارخانجات صنعتی، حمل‌ونقل و خطوط لوله‌نفت؛ آدم‌دزدی؛ اعتصاب و وقفه در کار، ترور؛ پروپاگاندا و جنگ روانی» (ماریگلا، ۱۳۵۸: ۶۸-۵۰، ۱۱۲-۱۰۶)؛ به چریک‌ها آموزش داده می‌شد و متأثر از آن، رهبران فدائیان نیز «بر لزوم خرابکاری در کارخانجات، دزدیدن ابزار کار، ایجاد رعب و وحشت در سرقت از بانک‌ها و به قتل‌رساندن پاسبانان حافظ امنیت شهر» (پویان، بی‌تا: ۲۱-۱۹؛ دهقانی، ۱۳۵۷: ۲۸-۲۷)، تأکید می‌کردند. «هدف از این اقدامات پیوستن مردم و شکل‌گیری جنگ توده‌ای بود، اما در عمل سبب دوری مردم می‌شد. نمونه بارز آن در عملیات سیاهکل بود که مردم آنها را تحویل پلیس دادند و موتوربزرگ (شهر) هم خاموش شد» (اشرف، ۱۴۰۰: ۸۲، ۸۳، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۱).

### رمان خوشه‌های خشم

رمان مشهور جان اشتاین‌بک (۱۹۰۲-۱۹۶۸) در سبک ادبی رئالیسم انتقادی است که در سال ۱۹۳۹ منتشر شد. چنان که پیش از این اشاره شد، این رمان مورد توجه بیژن جزینی بود. خوشه‌های خشم تضاد طبقاتی فقرا و اغنیاء را در آکلاهما در دهه ۱۹۳۰ بین دو جبهه متخاصم متشکل از اجاره‌کنندگان کشتزارها، و مجموعه به هم پیوسته‌ای از اربابان اراضی، بانک مدعی مالکیت اراضی و کمپانی کشاورزی (Shavnee) نشان می‌دهد. در بازنمایی زندگی اسفناک دهقانان از جلوه‌های رمانتیک استفاده می‌شود. این مجموعه درهم تنیده سودای غارتی دیگری را دارد که این بار خشکسالی شدید هم به مدد آنها آمده است. «آفتاب‌سوزانی که روزهای پیاپی می‌تافت، سختی پیکان‌وار برگ‌های ذرت‌های جوان را داغان می‌کرد» (اشتاین‌بک، ۱۴۰۱: ۵). «زارعان با دستان پینه‌بسته و با افزارهای کشاورزی سنتی در معرض هجوم یک کمپانی صنعتی با تجهیزات مدرن از جمله تراکتور مواجه هستند» (اشتاین‌بک، ۱۴۰۱: ۴۰). رمان تبعات صنعتی‌شدن کشاورزی را این گونه ابراز می‌کند: «روی زمین‌ها، خانه‌های متروک ماند، و بر اثر آن زمین‌ها رها شد. فقط پناهگاه‌های تراکتور با شیروانی‌های موجدار، براق و درخشان در این دشت زندگی می‌کردند. این

زندگی، زندگی فلز، بنزین و روغن بود که بر خیش‌های پولادین می‌درخشید. چراغ‌های تراکتورها روشن بود، زیرا تراکتور روز و شب نمی‌شناسد» (اشتین بک، ۱۴۰۱: ۱۴۹).

بهره‌کشی از فلاکت‌زدگان، مظالم خوانین و نقد صنعتی‌شدن در قالب ورود استعمار بورژوازی به روستاها مورد توجه فدائیان نیز بود.

### ۳-۵- نقش ادبیات داستانی روسیه

ادبیات غنی روسیه در گرایش به مساوات‌طلبی و خوداتکایی، دوری از الگوی‌های توسعه غربی چراغ راه مبارزان در تکاپوی استقرار جامعه‌ای بدون از پلیدی‌ها و آسیب‌های صنعتی‌شدن بود.

### آثار داستایوفسکی و تولستوی

فئودور داستایوفسکی (۱۸۲۱-۱۸۸۱) و لئو تولستوی (۱۸۲۸-۱۹۱۰) در سبک ادبی رئالیسم انتقادی با رمان‌های فلسفی و اجتماعی خود زمینه‌های فکری اولیه را برای جنبش انقلابی روسیه علیه تزارها در قرن ۲۰ فراهم کردند. «داستایوفسکی در نخستین اثر خود به نام *بیچارگان* در قالب نامه‌نگاری عاشقانه دختری جوان و مردی مسن به مقایسه زندگی غم‌انگیز فقرا با اعیان می‌پردازد. «واروارا»، خود را دختری بی‌آینده تصور می‌کند که به گذشته‌اش هم می‌ترسد نگاه کند» (داستایوفسکی، ۱۳۸۹: ۱۶). تولستوی نیز در زندگی خویش همواره از فقرا حمایت می‌کرد. «بر ضد بی‌عدالتی ساختارهای اجتماعی و خودپرستی توانگران و بی‌چیزی فرودستان طغیان و دستگاه کلیسا و همدستانیش را با زبردستان جهان محکوم می‌کند» (تالستوی، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۲).

### رمان اتاق شماره ۶

رمان‌های اولیه آنتون چخوف (۱۸۶۰-۱۹۰۴) مملو از شخصیت‌ها و ویژگی‌های قهرمانانی است که به نحوی روابط انسانی در میان دهقانان و کشاورزان ستم‌کشیده و تنگ‌نظری‌های

نقش ادبیات داستانی چپ در گسترش چریکیسم و مبارزات مسلحانه جنبش‌های چریکی علیه حکومت پهلوی دوم..... ۱۸۳

بورژواها را به تصویر می‌کشد. به تدریج قهرمانانش در آثار برجسته‌اش جانی تازه یافتند. «او به آلام و تأثرات درونی و روانی قهرمانان خود و همچنین به تلقی آنان از زندگی، به نهایت بذل توجه می‌کرد و مسئله رابطه انسان با زندگی، همیشه در مرکز توجه او قرار داشت» (چخوف، ۱۳۸۱: ۲۰/۱). به طور مشخص «داستان *اتاق شماره ۶* مورد توجه فدائیان خلق بود. مراد گل مرادی، عضو سازمان و نویسنده کتاب «کدوم کتابو بخونم»، خواندن این رمان را به چریک‌ها توصیه می‌کند» (گل مرادی، ۱۳۵۸: ۲۰). در سبک ادبی رئالیسم انتقادی «چخوف در داستان *اتاق شماره ۶* ضمن به تصویر کشاندن زندان‌های مخوف تزارها، حاکمان وقت را به نیکیتای نگهبان، پیرسربازی بازنشسته که در مشغله حفظ نظم جامعه روسیه است، تشبیه می‌کند. «در زمره آن دسته از آدم‌های ساده لوح و مثبت و ساعی و خنگی است که نظم و ترتیب را بیش از هر چیز دیگری دوست می‌دارند و از این رو معتقدند که مخالفان را باید به زیر مشت و لگد کشید. او به صورت و سینه و پشت و به هر جایی که اصابت کند، مشت می‌زند و اطمینان دارد که در این مکان ممکن نبود نظم و انضباط برقرار شود، مگر به ضرب مشت و لگد» (چخوف، ۱۳۸۱: ۴/۲۵۰-۲۴۹).

آثار چخوف فدائیان را به زعم خودشان به مبارزه با دیکتاتور سرکوبگر فرتوت ترغیب می‌کرد. اما آنها واقعیات عینی این مبارزه و توان طرف مقابل را به درستی ارزیابی نمی‌کردند. برای نمونه اصالت عمل مبنی بر کوچک‌انگاری توان حکومت قدرقدرت مستقر، و بزرگ‌نمایی ظرفیت‌های ناچیز گروه‌های محدود چریکی است که در روایت رهبران سازمان در حرکت دسته‌جنگل در ۱۵ شهریور ۱۳۴۹ مشهود است: «قمقمه‌های کهنه ارتشی که از دکان‌های سمساری خریداری شده بود. به قدری میزان تسلیحات نظامی کم بود که چریک‌ها در محل اختفای خود چند ماه قبل از عملیات سیاهکل، برای تمرین‌های جنگ چریکی تصمیم گرفتند جمعاً ده گلوله با مسلسل، و نفری سه تیر با سلاح‌های کم‌ری‌شان شلیک کنند» (اشرف، ۱۴۰۰: ۳۷ و ۷۹)؛ «گروه چریکی کوه حتی قادر به رویارویی با یک گردان از نیروهای حکومتی نبود» (اشرف، ۱۴۰۰: ۱۰۹). در برخورد احساسی با واقعیت و «با اهمیت یافتن رمانتیسم، در تنازع خرد و شاعرانگی؛ ستایش، شور و هیجان و احساس، به جای عقل در مواجهه با امور در سپهر سیاست می‌نشیند و توجه به احساسات و تمایلات

آنی موجب طرد و نفی تفکر منطقی می‌گردد» (خسروی، ۱۹۹۴: ۱-۳) و فدائیان را از درک واقعیت دور می‌کند.

### رمان مادر

موثرترین اثر ماکسیم گورکی (۱۸۶۸-۱۹۳۶) که در سبک ادبی رئالیسم سوسیالیستی در سال ۱۹۰۶ در انگلیس منتشر شد. *مادر* روایت تکوّن جنبش سوسیالیسم دموکراتیک در روسیه تزاری است. این رمان مورد توجه فدائیان بود. «در کتاب «آموزش مارکسیسم-لنینیسم را با سازماندهی هسته‌های مطالعاتی ارتقا دهیم»، مبارزان به خواندن آن توصیه شده‌اند» (آموزش مارکسیسم...، .، ۱۳۵۸: ۳۰). پلاگه، بانویی میانسال، قهرمان اصلی داستان، مادری دلسوز برای فرزندش، پاول است که بعدها مربی مبارزان سوسیالیست علیه تزارها می‌شود. پلاگه زن خفت‌کشیده‌ای است که در منزل محقری در محله‌ای کارگرنشین، در حاشیه کارخانه‌ای و دور از شهر زندگی می‌کند. او مرتباً توسط شوهر می‌گسارش که کارگر آن کارخانه بود، کتک می‌خورد. پس از مرگ شوهرش، پاول مدتی راه پدر را رفت، اما موعظه پلاگه سبب شد که هوشیاری را بر خرفتی حاصل از شرب خمر ترجیح دهد و لذا مجذوب کتاب و کتاب‌خوانی شد. پاول، بنیانگذار جلسات و حوزه‌های مخفیانه مباحثه و قرائت کتب ممنوعه شد تا ریشه و حقیقت نابسامانی‌های کشورش روسیه را بیابد. پلاگه در این جلسات حضور داشت. با آنکه برخی کلمات جدید و اصطلاحات برای وی نامفهوم بود، اما به تدریج با آنها مانوس می‌شد. پاول و همفکرانش در این جلسات به این حقیقت دست یافتند که کارگران و دهقانان تحت استثمار صاحبان کارخانه‌ها و اربابان در یک چرخه بسته قرار دارند؛ به‌گونه‌ای که بخش اعظم درآمد ناچیزشان را مشروب می‌خرند و مابقی را نان. سپس دق‌دلی این مظالم و وضعیت نابسامانشان را بر سر همسر، فرزند و یا هم‌نوع‌شان با کتک‌زدن آنها خالی می‌کنند و دوباره از نو کار را در کارخانه یا مزرعه از سر می‌گیرند. کارگران و دهقانان و حتی خرده‌بورژوازی در این زندگی سبعمانه، به مشروب پناه می‌بردند و خرفتی را به هوشیاری ترجیح می‌دادند. از این‌رو مبارزان سوسیالیست بر لزوم تغییر وضع ظالمانه حاکم تأکید می‌کردند و درصدد بنای جامعه آرمانی بودند. جلسات و حوزه‌های

مباحثه چندین سال ادامه یافت و بر تعداد اعضا و محصلان افزوده می‌شد. بعضاً از شهرهای مختلف هم به منزل پلاگه که کانون این جلسات بود، می‌آمدند. سرانجام دسته کوچکی که در خانه پاول شکل گرفته بود، پس از تدارک ایدئولوژیکی وارد مرحله عملیاتی شد و اقدام به توزیع کتب ممنوعه، بیانیه‌ها و روزنامه‌ها نمود. فحواى متون، آگاهی طبقاتی و انتقاد از مقررات تحمیلی به کارگران بود. این اوراق کارگران و دهقانان را به اتحاد برای دفاع از خود تشجیع می‌کرد. پاول به علت رهبری اعتصاب کارگری در کارخانه‌ای که در آن کار می‌کرد، و نطقش علیه صاحب کارخانه بود دستگیر و به زندان انداخته شد. پس از دستگیری پاول، پلاگه رهبری مبارزه را برعهده گرفت و از همفکران فرزندش خواست که همچون گذشته به توزیع نشریات سوسیالیستی بپردازند و خود اوراق و بیانیه‌ها را در کارخانه و روستاهای هم‌جوار میان کارگران و دهقانان پخش می‌کرد. پلاگه پس از حبس پاول به کمک آندره، یکی از همفکران نزدیک پاول به یادگیری بیشتر پرداخت. آندره ملاحظه کرد که «مادر» بیش از سابق معنی کلمات عالمانه‌ای را که نمی‌داند، از او می‌پرسد. پاول پس از آزادی از زندان مجدداً مبارزات سیاسی خود را از سرگرفت. با گسترش تعلیمات سوسیالیستی بر تعداد دسته‌ها و حامیان وی افزوده می‌شد. او در اقدامی با انتشار روزنامه برای روستائیان، دهقانان را نیز با کارگران صنعتی همسو کرد. پاول در روز اول ماه مه با تدارک وسیعی در میان هزاران نفر از مردم محله خود نطق آتشینی علیه کارفرمایان ایراد کرد و درحالی‌که بیرق سرخ رنگ را در دست داشت در جلوی تظاهرات‌کنندگان حرکت می‌کرد. با شکست قیام اول مه پاول و آندره دستگیر و روانه زندان شدند. پس از دستگیری آن دو، دامنه مبارزات پلاگه و دسته‌های سوسیالیست در ارسال کتب ممنوعه، بیانیه‌ها، نشریات و روزنامه‌ها به اماکن و مراکز مختلف کارگری و دهقانی در سراسر روسیه گسترش فراوانی یافت. آنها در تلاش بودند که علاوه بر کارگران و دهقانان، خرده‌بورژوازی را نیز برای قیامی فراگیر علیه تزارها آماده نمایند. مبارزان دریافته بودند که طبقه کارگر، دهقانان، خرده‌بورژوازی تا هنگامی که از خوردن مشروب خودداری نکنند و حقیقت را بر نان ترجیح ندهند، نخواهند توانست بر ترس غلبه یافته و با گذشت از جان بر تزارها فائق آیند. پس از سپری شدن دوران حبس، پاول به همراه جمعی دیگر از سوسیالیست‌ها در

دادگاه محاکمه و به سیبری تبعید شد. نطق پاول به هنگام دفاع، بار دیگر حاکمیت ظالمانه تزارها را رسوا کرد. او صراحتاً گفت: «ما سوسیالیست هستیم، یعنی دشمن مالکیت خصوصی هستیم که مایه نفاق بین مردم است» (گورکی، ۱۳۵۷: ۳۸۰). پلاکه که در جلسه محکمه حضور داشت، تصمیم گرفت به کمک دوستان پاول، نطق او را چاپ و منتشر نماید. پلاکه در حین انتشار توسط جاسوسان شناسایی شد و به هنگام دستگیری درحالی که از سوی برخی از مردم حمایت می‌شد، با سخنانی تند، پرده از ستمگری‌های تزارها برکشید و در واپسین لحظات گفت: «ای ملت، نیروهایت را به صورت یک نیروی واحد جمع کن!... یک روح زنده شده را نمی‌توانند بکشند... حق را در خون نمی‌شود غرق کرد!» (گورکی، ۱۳۵۷: ۴۲۱-۴۲۰). بدین ترتیب *مادر* نیز مانند *ژان کریستف* به گونه‌ای پایان می‌یابد که مبارزه همچون چوب امداد دو میدانی تا سرمنزل مقصود باید ادامه یابد.

رمان *مادر* در میان ادبیات داستانی روسیه بهترین نقشه راه جنبش‌های چریکی به ویژه فدائیان بود زیرا مولفه‌های ذیل که در آن به ستیز دامن می‌زند، بسیار مشهود است: قهرمان‌پنداری (گورکی، ۱۳۵۷: ۶۰، ۱۴۲ و ۱۴۸)، لزوم فدایی بودن برای خلق (گورکی، ۱۳۵۷: ۱۵۵ و ۱۶۶)، زندگی ساده و طبیعی فدایی خلق (گورکی، ۱۳۵۷: ۱۸۱ و ۲۱۶)، تضاد شهر و روستا و اولویت روستا (گورکی، ۱۳۵۷: ۲۲۹، ۳۰۸ و ۳۳۰)، اهمیت روستا به مثابه موتور کوچک برای فعال کردن سراسر کشور به‌عنوان موتور بزرگ (گورکی، ۱۳۵۷: ۱۱۵)، مبارزه علیه اتحاد به هم پیوسته مدیران کارخانه، عوامل حکومتی، دادگستری و کلیسا (گورکی، ۱۳۵۷: ۲۵۵، ۳۸۱ و ۳۸۲)، تأکید صریح بر آشتی‌ناپذیری طبقه کارگر و سرمایه‌دار (گورکی، ۱۳۵۷: ۱۸۲، ۲۳۶ و ۳۸۱)، ترسیم ابعاد جامعه آرمانی (گورکی، ۱۳۵۷: ۱۵۴، ۱۵۵ و ۱۶۰)، توصیه به عملیات و قیام مسلحانه برای نیل به جامعه آرمانی (گورکی، ۱۳۵۷: ۱۲۹، ۱۵۳، ۱۵۴ و ۳۳۶) و تعلیمات چریکی در مکالمات پلاکه با «سوفی»، مبارز راه حقیقت (گورکی، ۱۳۵۷: ۲۲۵).

#### ۴- تأثیر ادبیات داستانی چپ در ایران بر مبارزات مسلحانه فدائیان

##### ۴-۱- ورود رمان به زبان و ادبیات فارسی

رمان از طریق ترجمه به ادبیات ایران راه یافت. «با ابتکار ادبای عصر مشروطه بر ظرفیت ادبیات در انتقال مضامین عدالت‌جویانه افزوده شد و متون جدید ادبی برخلاف سبک ادبی سنتی که سرشار از استعاره‌ها و کنایه‌های پوشیده در افشای عادات ناپسند شاهان بود، در قالب رمان به مدد خیال و شخصیت‌های خیالی، در نقد اجتماعی دلیری بیشتری از خود نشان دادند» (زائری، ۱۳۹۴: ۳۶-۷) و کمتر رنج عقوبت به تن خریدند.

##### ۴-۲- رمان در ادبیات داستانی چپ

در عصر مشروطه رمانتیسیم برای ترویج مظاهر سوسیالیسم عامه‌پسند به کار گرفته شد. «نیما یوشیج، با ابداع شعرنو، راه ادب فارسی را برای آینده باز کرد» (دشتیان نژاد، ۱۳۹۵: ۳۷۰). او «از پیشگامان مکتب رمانتیسیم در شعر معاصر ایران است و عناصر رمانتیک نظیر غم و اندوه زمانه دلگیر و آرزوی مرگ در شعر «ای شب» که در سال ۱۳۰۱ برای ترسیم وضع نابسامان جامعه سروده شده، مشهود است» (عبادیان، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۵). رمانتیسیم با همسویی با روح ستم‌کشیده ایرانیان برای بیان احساسات، آزادی‌طلبی و آرمان‌خواهی و جامعه سنتی در حال گذار به یاری نویسندگان ادبیات چپ آمد. بروز رمانتیسیم حتی پس از سرخوردگی اجتماعی ناشی از شکست کودتای ۲۸ مرداد در آثار ادبی که ملامت از یأس و ناامیدی بود، مشاهده می‌شود» (معبودی، ۱۳۹۸: ۶۰-۵۹). «ادبیات داستانی بعد از کودتا، نسبت به قبل آن، جدی‌تر و تاریخی‌شد» (سپانلو، ۱۳۷۴: ۱۹۶). از این رهگذر وسیله‌ای برای مخالفان تبعات صنعتی شدن ایران با خلق آثار شد.

##### ۴-۳- شکل‌گیری ادبیات چریکی به عنوان ابزار مبارزه

ادبیات چریکی یا انقلابی پایه‌پای تحولات دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی آهنگ رشد صعودی داشت. «بی‌تردید نمی‌توان در کنار همه عواملی که مبارزه مسلحانه را برافروخت از ادبیات انقلابی چشم پوشید. به شهادت گزارش بازجویی‌های موجود و اسناد اطلاعاتی، مطالعات اکثریت قریب به اتفاق چریک‌هایی که بازجویی شدند از کتاب‌های چون «مادر»، اثر

گورکی، «چگونه فولاد آبدیده شد»، اثر استروسکی، «برمی گردیم گل نسترن می چینیم» و «رز فرانس»، اثر لافیت و «خرمگس»، اثر وینیچ فراتر نمی رفت. بر بستر چنین تصوراتی بود که نوعی از مبارزه مسلحانه در ایران رخ نمود و زبانه کشید» (نادری، ۱۴۰۳: ۲۱-۲۲). «سرتیپ تقوی، رئیس ساواک اصفهان در سخنانی ضمن پرهیز دادن از خواندن «کتاب‌های مضره» به استادان دانشگاه گفت: «آقایان مواظب باشید هرچه مطالعه کتاب‌های خارج از درس کمتر، بهتر، شما مسئولیت بزرگی دارید و باید مراقب باشید. هرچه بر سر این مملکت آمده از کتاب آمد» (عاروان، ۱۳۹۸: ۴۷). در این راستا سازمان چریک‌های فدایی علاوه بر مجموعه آثار ایدئولوژیک خود، از ادبیات داستانی نیز برای القای مبانی ایدئولوژیکی استفاده می کرد. نزد سازمان همان قدر که هسته‌های چریکی مهم بود، هسته‌های مطالعاتی نیز اهمیت داشت. «در این هسته‌ها رمان‌ها در کنار کتب ایدئولوژیکی توسط اعضاء مطالعه می شد» (آموزش مارکسیسم...، ۱۳۵۸: ۲۴-۲). در این بین رمان‌هایی که نویسندگان آن گرایش‌های فدایی داشتند، قابل توجه است.

### رمان ۲۴ ساعت خواب و بیداری

رمان صمد بهرنگی (۱۳۱۸-۱۳۴۷) در سبک ادبی رئالیسم انتقادی است که در سال ۱۳۴۷ منتشر شد. او از ادبیات کودک بهره می گرفت و در این داستان جلوه‌های رمانتیکی تفاوت زندگی روستائیان بینوای مهاجر به تهران را با ساکنان پولدار شمال شهر تهران به نهایت خود می رساند. «لطیف»، روایتگر داستان، شخصیت اصلی کودکی است که به همراه پدرش از فرط گرسنگی و بیکاری به تهران کوچ کرده و تنها در این قصه، ۲۴ ساعت از گذران زندگی اش را بیان می کند. پولدارها به او و دوستانش ولگرد و گدا می گویند. در صحنه‌ای، در قیاس زندگی اشرافی با زندگی آدم‌های بی چیز و گرسنه در محله‌های جنوب شهر از جمله حصیرآباد، آمده است: «آنها کاخ‌ها و ویلاهای مجلل در شمال تهران، سوئیس و فرانسه دارند و صورتشان برق می زند، لباس‌های تر و تمیز می پوشند، عطر می زنند، صاحب ساختمان‌های بلند، مغازه‌های اعیانی، ماشین‌های لوکس هستند و برای بچه‌هایشان سگ و اسباب بازی گرانبه‌ای می خرند. دخترها و زن‌هایشان مثل گل‌های رنگارنگ می درخشند»

(بهرنگی، ۱۳۷۷ الف: ۱ / ۴۲-۴). قصه در ادامه به گفتگوی خیالی لطیف با «شتر»، اسباب‌بازی موردعلاقه‌اش که هر شب بعد از کار روزانه از پشت ویتترین مغازه اشرافی آن را نظاره می‌کند، می‌پردازد. لطیف پس از سفر خیالی‌اش با شتر به مناطق بالا و پایین تهران به او می‌گوید: «شما خواستید به من بگویید که بین همه مردم مثل تو و پدرت گرسنه کنار خیابان نمی‌خوابند» (بهرنگی، ۱۳۷۷ الف: ۲۶/۱). لطیف در صحنه‌ای دیگر در خیابان در واکنش به چند زن و مرد اعیانی معطر که از بوی بد بدن او مشمئز شده بودند، می‌گوید: «دلم می‌خواست مغز هر سه اعیان‌زاده را داغون کنم. آیا تقصیر آنها بود که من زندگی این جوری داشتم؟» (بهرنگی، ۱۳۷۷ الف: ۳۳/۱). او پیش از بازگشت به روستا برای دفعه آخر به دیدن شتر می‌رود. متوجه می‌شود که پدر دختر بچه پولدار آن را خریده، او مانع می‌شود. اما ماشین حرکت می‌کند. کسی او را از پشت گرفته بود. لطیف پخش زمین شده و روی آسفالت افتاده است: «صورت‌م افتاد روی خونی که از بینی‌ام بر زمین ریخته بود. پاهایم را به زمین زدم و هق هق گریه کردم. دلم می‌خواست مسلسل پشت شیشه اسباب‌بازی فروشی مال من باشد» (بهرنگی، ۱۳۷۷ الف: ۴۲/۱).

بهرنگی مضامین مبارزه طبقاتی با بورژوازی شهرنشین را به جامعه القا می‌کند. این خصلت تخصصی، مرگ و مرگ‌خواهی منبعث از ادبیات چریکی است. او در پایان داستان نشان می‌دهد که لطیف پس از ناکامی در ازدست‌دادن شتر، از میان تمام اسباب‌بازی‌های پشت ویتترین مغازه یعنی، میمون‌ها، بچه شترها، خرس‌ها، خرگوش‌ها و دیگران، تنها «مسلسل» را برمی‌دارد. این قصه بر فداییان تأثیر فراوانی داشت. به گونه‌ای که اشرف دهقانی در کتابش با اشاره به جلسات محاکمه فدائیان، بر روش مبارزه مستمر تأکید می‌کند: «وقتی ماجرای برخورد قاطعانه رفیق عبدالله را در دادگاه شنیدم، بی‌اختیار یاد رفیق صمد افتادم و او را ندا دادم که رفیق صمد! آرزوی تو به تحقق پیوسته است و اکنون نه تنها «عبدالله»، بلکه به همراه او هزاران جوان آماده‌اند مسلسل بدست گیرند و تمامی استثمارگران را نابود سازند. از همان مسلسل‌هایی که پشت ویتترین بودند و تو آرزو داشتی بدست «لطیف»‌ها بیفتند. انقلاب به پیش می‌رود و چندان دور نیست که لطیف‌ها همه مسلسل داشته باشند» (دهقانی، بی‌تا: ۲۳۵). احمدزاده هم متأثر از آثار صمد است: «شکست یک گروه مبارز مسلح، تاثیری

تعیین‌کننده بر سرنوشت مبارزه ندارد. اگر قبول داریم که مبارزه طولانی است چه اهمیتی دارد که گروهی در این میان از بین بروند. مهم این است که اسلحه‌ای که از دست رزمنده‌ای می‌افتد، رزمنده‌ای دیگر باشد که آن را بردارد» (احمدزاده، ۱۳۵۱: پیش‌گفتار ۲۵-۲۶).

### رمان ماهی سیاه کوچولو

بهرنگی اوج مبارزه طبقاتی خود را برای نیل به جامعه‌آرمانی در قصه تمثیلی *ماهی سیاه کوچولو* به تصویر می‌کشد. این داستان در سال ۱۳۴۷ انتشار یافت. ماهی سیاه کوچولو به‌عنوان تمثیلی از جستجوی انسانی برای آزادی در نمادپردازی چندلایه است. او با مادرش در جویباری کوچک زندگی می‌کرد که این جویبار آب خیلی کمی داشت؛ نمی‌توانست هر طور دلش می‌خواهد شنا کند، سرش به‌جایی می‌خورد. آفتاب به سطح جویبار نمی‌تابید و او همیشه از گرمی آن محروم بود. جویبار از دیواره‌های سنگی کوه بیرون می‌زد و ته دره روان می‌شد. خانه ماهی کوچولو و مادرش پشت سنگ سیاهی بود؛ زیر سقفی از خزه، شب‌ها دوتایی زیر خزه‌ها می‌خوابیدند. او حسرت به دلش مانده بود که یک‌دفعه هم که شده، مهتاب را توی خانه‌شان ببیند» (بهرنگی، ۱۳۷۷ الف: ۲/ ۲۲ و ۳). او در تلاش برای تغییر این وضعیت بود و برای دیدن آخر جویبار قصد سفر می‌کند. اما متهم به خیره‌سری می‌شود و «پیره‌ماهی‌ها» در واکنش به صحبت‌های جسورانه‌اش او را تهدید به مجازات مرگ می‌کنند و سرنوشت رفیق حلزون را که پیش از او، کشته شده بود، برایش قابل تکرار و درس عبرت می‌دانند. باین وجود، او به سمت دریا حرکت می‌کند (بهرنگی، ۱۳۷۷ الف: ۲/ ۷-۶) *بهرنگی* «با مقایسه منطقه کم آب، کم‌نور و محروم جویبار کوچک با مناطق برکه، رودخانه و دریا، بار دیگر تضاد سبک زندگی فقرا و اغنیا را با عناصر رمانتیکی بازتاب می‌دهد. او در ادامه، ضمن بیان شجاعت و صف‌ناپذیر ماهی سیاه، به سایر دسته‌های ماهی‌های دانا که پیش از آغاز مبارزه ماهی کوچولو در راه رسیدن به دریا سلحشوری کرده بودند، اشاره می‌کند؛ کسانی که با وجود امکانات اندک (خنجرهای بسیار ریز) در جنگ با حریف‌های قدرتمند مانند مرغ سقا، اره‌ماهی، مرد ماهیگیر و مرغ ماهی‌خوار پیکار را شروع کرده بودند. ادامه قهرمان‌گرایی توسط ماهی قرمز کوچولو برای مبارزه و حرکت از ته دریا به سطح دریا، برای ساخت زیست‌گاه آرمانی که با مشقت تنها بخشی از آنها در ته دریا ایمن شده و مابقی نیاز

به دلیری دارد، دیگر عنصر رمانتیسم سیاسی، یعنی خیال‌پردازی شاعرانه است. ته دریا به‌عنوان پایگاه‌های چریکی برای شکار عوامل زور در سطح دریا الهام‌بخش چریک‌های فدایی بود، به این امید که روزی آزادی فراگیر، سطح دریا را نیز دربر گیرد. این قصه هنگامی گفته می‌شد که طولانی‌ترین ظلمات شب جای خود را به تدریج به روشنایی سحر و روز می‌داد» (بهرنگی، ۱۳۷۷ الف: ۲/ ۱۷-۲).

از نگاه تمثیلی دیگر، ماهی کوچولو به‌سان چریکی بود که می‌خواست از طریق مبارزات مسلحانه خود، موانع پیش‌روی توده‌های مردم را بردارد و به‌اتفاق دیگر گروه‌های چریکی مبارز منجر به فعال‌شدن طبقه منفعل کارگر شود و آنگاه طبقه کارگر، تبدیل به یک حزب انقلابی گردد. ایده‌های نمادین قصه ماهی کوچولو در اثر پویان این‌گونه لباس تئوریک می‌پوشند: «تحت شرایطی که روشنفکران انقلابی فاقد هرگونه رابطه مستقیم و استوار با توده خویش اند، ما نه همچون ماهی در دریای حمایت مردم، بلکه همچون ماهی‌های کوچک و پراکنده در محاصره تمساح‌ها و مرغان ماهی‌خوار به سر می‌بریم. وحشت و خفقان، فقدان هر نوع شرایط دموکراتیک، رابطه ما را با مردم خویش بسیار دشوار ساخته است» (پویان، بی‌تا: ۹). دیگر قرینه‌های مضامین ماهی کوچولو را می‌توان اثر پویان دید. «ماهی کوچولو در راه مبارزه به علت هراس دیگر ماهی‌ها منزوی است و سلطه، آنها را از دیگران بیگانه کرده است. این را می‌توان در راهکار پویان برای درهم شکستن مطلق‌انگاری ناتوانی کارگران در رهایی از سلطه به‌خوبی درک کرد» (بهرنگی، ۱۳۷۷ الف: ۲/ ۱۷-۱۴). پویان «عامل خفقان را موانع ایجاد برقراری رابطه چریک‌ها با توده‌ها می‌داند و بر ارتباط‌گیری چریک‌های با توده‌ها تأکید می‌کند: «برای این‌که پایدار بمانیم، رشد کنیم و سازمان سیاسی طبقه کارگر را به وجود آوریم، باید طلسم ضعف خود را بشکنیم، باید با توده خویش رابطه‌ای مستقیم و استوار به وجود آوریم» (بهرنگی، ۱۳۷۷ الف: ۲/ ۹). قصه هم به‌خوبی نشان می‌داد که پیره‌ماهی‌ها؛ ماهی سیاه کوچولو را از رفتن به دریا برحذر داشتند. زیرا ماندن او در جویبار به کشف و مهارش کمک می‌کرد.

### آبشوران

علی اشرف درویشیان (۱۳۲۰-۱۳۹۶)، رمان‌نویس ادبی چپ و دارای گرایش‌های چریکی‌های فدایی خلق بود. مراد گل مرادی، عضو این سازمان و نویسنده کتاب «کدوم کتابو بخونم»، خواندن *آبشوران* را به چریک‌ها توصیه می‌کند (گل مرادی، ۱۳۵۸: ۲۶). این رمان در سبک ادبی رئالیسم انتقادی که به روایت یازده داستان می‌پردازد در مرداد ۱۳۵۴ منتشر شد. داستان برگزیده «خانه ما»، زندگی رقت‌بار خانواده‌ای از ساکنین منطقه آبشوران را در کرمانشاه به تصویر می‌کشد. «آبشوران که به لهجه محلی آشورا می‌گویند، گنداب رو بازی است که از وسط این شهر می‌گذشت و در دو طرف این گنداب خانه‌هایی بنا شده است» (درویشیان، ۱۳۵۴: ۵). راوی داستان با مقایسه وضعیت اسفناک مردمان منطقه پست و پایین‌نشین آبشوران با منطقه مرتفع و بالانشین آن، در دهه ۵۰ به تبعیض حکومت پهلوی در آبادانی مناطق محروم با مناطق مرفه می‌پردازد. رمان هنگامی را که سیل زباله‌های و هر چه ته‌مانده از منطقه مرتفع مرفه به منطقه پایین سرازیر می‌شود و مصائب حاصل از آن را به تصویر می‌کشد. عناصر رمانتیک را به‌گونه‌ای کنار یکدیگر می‌چیند که گویی خدا نیز دعای پدر روایتگر داستان که می‌گفت: «خدایا غضبت را از ما دور کن»، نمی‌شنود و نسبت به سرنوشت و تغییر این اقلیم بی‌تفاوت است: «ولی خدا به حرف بابام گوش نمی‌کرد. سیل می‌آمد. خشمگین می‌شد. می‌شست و می‌رفت. زورش به خانه‌های بالای شهر که از سنگ و آجر ساخته شده بود، نمی‌رسید. اما به ما که می‌رسید، تمام دق و دلش را خالی می‌کرد» (درویشیان، ۱۳۵۴: ۵-۶).

درویشیان شکاف طبقاتی را با ترسیم ایمنی خانه‌های سنگ و آجری و لوله‌های فلزی برای انتقال آب منطقه مرفه بالاشهری‌ها که آسیب‌پذیر نیستند، با ضعف شدید بناهای قدیمی و فرتوت پایین‌شهری‌ها که به هنگام سیل اسباب و اثاثیه‌شان در اتاق‌هایش غوطه‌ور می‌شدند، نشان می‌دهد. عسرت و سختی به اینجا ختم نمی‌شد: «سیل می‌آمد. آشورا پر می‌شد و آب از مستراح‌ها فواره‌وار بالا می‌زد. حیاط را پر می‌کرد. چوب‌های پوسیده و کاه‌ها و دسته‌گل‌های پوسیده بالای شهری‌ها را روی دستش می‌گرفت و می‌آورد تو اتاق ما و به ما تقدیم می‌کرد. فقط زبان نداشت که سلام کند» (درویشیان، ۱۳۵۴: ۱۰). پایین‌شهری‌ها گاهی

نقش ادبیات داستانی چپ در گسترش چریکیسم و مبارزات مسلحانه جنبش‌های چریکی علیه حکومت پهلوی دوم..... ۱۹۳

آواره می‌شدند و در جستجوی سرپناهی بودند. آنان در مدار و چرخه بسته «زندگی - سیل» قرار داشتند و همواره مورد غفلت حکومت بود.

## رمان ملخ‌ها

یکی از آثار بهروز دهقانی (۱۳۱۸ - ۱۳۵۰)، عضو ارشد سازمان چریک‌های فدایی خلق (برادر اشرف دهقانی) در سبک ادبی رئالیسم انتقادی که پیش از کشته‌شدن وی توسط ساواک در سال ۱۳۵۰ منتشر شد. روایتگر داستان «جعفر» ساکن روستای محروم جنت‌آباد است. دهقانی در این رمان بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی افراد و نهادهای وابسته به حکومت پهلوی را در رسیدگی به روستاییان را از زبان شخصیت‌هایی چون حضرت، کدخدا، ارباب و نهاد اداره کشاورزی بازنمایی می‌کند. حضرت، یکی از مقامات [اداره کشاورزی] است که گاهی به روستای جنت‌آباد سرک می‌کشد. به گفته پدربزرگ جعفر: «اصلاً همه ما را خود حضرت نفرین کرده. یه وقتی گذرش [به] این کوه و کمر می‌افته و ده ما رو می‌بینه ته دره نشسته. چون تشنه‌اش بوده میاد توی ده. به هر خانه سر می‌زنه، می‌بینه لب‌های پیرزن‌ها و بچه‌ها از تشنگی ترک برداشته، هیشکی بلند نمی‌شه یه قلب آب بهش بده. حضرت قربونش برم نوک شمشیر شو می‌زنه به همین کوه، آب گوارایی راه می‌افته، سیراب که میشه راهشو میگیره و میره. چشمه هموندم خشک میشه. همه‌تون میتونین برین سرکوه و جاشو ببینین مثل یه کاسه گنده‌س» (دهقانی، بی‌تا: ۶). دهقانی وجه مشترک مدیران ادراست دولتی را در فریه شکم بودن، عدم همیاری روستائیان بی‌بضاعت در حل مسائل زراعتی، ابراز تفرعن و سردواندن روستائیان در پیچ و خم بوروکراسی ناکارآمد خلاصه می‌کند.

داستان با حادثه‌ای به هنگام درو گندم در روستا آغاز می‌شود، زمانی که جعفر و پدرش به خرمن گندم در مزرعه می‌رسند، بهت‌زده می‌شوند. «همه جا پوشیده از ملخ درشت سبز رنگ با چشمان درشت بود» (دهقانی، بی‌تا: ۷). آنها پریشان می‌شوند. بلافاصله پدر جعفر نزد کدخدا می‌رود. «او به بهانه کار زیاد، یاری به دولت برای سربازگیری و نیز رسیدگی به امور ارباب از همکاری با پدر جعفر سر باز زد و به او گفت خودت به تنهایی به شهر برو» (دهقانی، بی‌تا: ۸). کدخدا می‌گفت: «اگه بهشون [اداره کشاورزی] بگی تو ده ما ملخ اومده

فوراً پا می‌شن و راه می‌افتن» (دهقانی، بی‌تا: ۱۲). کارمندان و مدیران کم‌کار اداره کشاورزی به جای رسیدگی به کار آن دو روستایی با دادن آدرس غلط، آنها را سردواندند و هر چه بیشتر سردرگمشان کردند. هم چنین طی این مدت، به خاطر ریخت و سرووضعشان مورد تحقیر کارکنان اداره از جمله مأمور نگهداری قرار گرفتند: «نره‌خر لای ماشینا چیکار داری؟ بیا بیرون! اومدی قالباق بدزدی؟... تا ماشین گدا جمع کنی نیومده فلنگو ببند» (دهقانی، بی‌تا: ۹). کسی پاسخگو نبود. در یکی از طبقات اداره، پدر گفت: «آقای رئیس تو ده ما ملخ اومده. مرد فنجانش را گذاشت زمین و سرش را بالا گرفت و گفت: «به من چه؟... «برو دفع آفات». آمدیم بیرون. مردها تند و تند می‌آمدند و می‌رفتند، خیلی بودند. بعضی‌ها کاغذ دستشان بود. بعضی شکمشان خیلی گنده بود، مثل شکم ارباب خودمان» (دهقانی، بی‌تا: ۱۰). «بالاخره به مسئول دفع آفات رسیدیم. او نخست پرسید ملخ‌ها چه رنگی بودند، پدرم از من سؤال کرد جعفر «یادت هست ملخ‌ها چه رنگی بودن؟ من گفتم: «سبز بودن. بعضی‌هاشون خاکستری» (دهقانی، بی‌تا: ۱۱). ناگهان مسئول آن بخش داد زد و گفت: «اینکه نمی‌شه. جنس ملخ باید کاملاً معلوم باشه. این‌جور کارهارو که همیشه سرسری گرفت! مبارزه با ملخ شوخی نیس. باس اول بدونیم جنسش چیه. رنگش چیه. تو که اصلاً سرت همیشه. این اداره فقط با ملخ‌های قرمز مبارزه میکنه. برو اداره مبارزه با ملخ سبز و خاکستری» (دهقانی، بی‌تا: ۱۱). «در اداره مبارزه با ملخ سبز و خاکستری گفتند: «تو مطمئنی همه‌شون سبز بودن؟ پدرم گفت: «همه‌اش که سبز سبز نبودن... بعضی‌هاشون زرد بودن، بعضی‌ها سبز، از همه رنگی بودن». او گفت: «باید بری سراغ اداره مبارزه با ملخ‌های الوان» (دهقانی، بی‌تا: ۱۲). طی این مدت دوندگی، آنها «ده دوازده روز در شهر بودند و عصرها به کاروانسرای گول ممد می‌رفتند. پدر جعفر که ناامید شده بود در شب آخر با گول ممد مشورت کرد. بنا شد جعفر و پدرش به همراه او فردای آن شب به اداره کشاورزی بروند. یکی از مسئولان اداره به گول ممد گفت: «نمونه‌برداری لازم است: «میری از هر کدام چندتایی می‌گیری میاری اینجا. می‌خوانن مطالعه بکنن. بعد بیان به ده» (دهقانی، بی‌تا: ۱۳). پس از آن جعفر و پدرش راهی ده شدند.

آنها به نزدیکی ده که رسیدند: «انگار گندم‌ها رو درو کردن. اما چرا این‌جوری. سنبل‌ها نیستن. ساقه خشکیده شون مونده. این‌طرف و آن‌طرف را خوب نگاه کردیم. از گندم خبری نبود.» «دَدَه گفت: جعفر انگار ملخ‌ها رفتن. خدا رو شکر دیگه نمی‌ریم شهر. تا نزدیکی‌های ده خبری نبود. بالای تپه که رسیدیم مردها را دیدیم که سرشان به پایین بود. یواش‌یواش راه می‌رفتند و یک‌مرتبه جست می‌زدند روی زمین، مثل ملخ‌ها» (دهقانی، بی‌تا: ۱۴-۱۳).

نویسنده نابودی خرمن‌ها را نتیجه عدم مسئولیت‌پذیری اداره کشاورزی در خدمت به دهقانان فقرزده عنوان می‌کند و مبانی ظلم‌ستیزی چریک‌ها را تقویت می‌کند. او در بخشی دیگر از زبان جعفر تضاد شهرنشینان با روستائینان را این‌گونه بازتاب می‌دهد: «شهر از ده ما خیلی بزرگ‌تر بود. اتاق‌های قشنگ و [سقف‌های] بلند، ماشین‌ها، خیابان‌ها. همه‌اش قشنگ بود. یک‌دفعه که می‌ایستادی بیشتر از صد تا می‌توانستی بشماری. تند و تند می‌آمدند و می‌رفتند» (دهقانی، بی‌تا: ۱۲).

### رمان عزاداران بیل

غلامحسین ساعدی (۱۳۱۴-۱۳۶۴)، نویسنده و پزشک «دارای گرایش‌های چریک‌های فدایی خلق بوده و آثار متعددی در سبک ادبی رئالیسم انتقادی نوشته است» (مراسان: ش. بازایی ۲۳۴۰۰۹۴؛ ۲۳۳۹۰۰۲؛ ۲۳۳۹۰۰۱؛ ۲۴۴۱۰۱۵). «آثارش تشریح فقر بیرون و درون؛ اقلیمی خشک و فقیر با بیماری‌های بومی و خرافات است» (سپانلو، ۱۳۷۴: ۱۱۷). رمان عزاداران بیل که در سال ۱۳۴۳ منتشر شد مشتمل بر هشت قصه به‌هم‌پیوسته است که روایت ابعاد زندگی فلک‌زده مردمان روستای بیل و دیگر روستاهای هم‌جوار آن است. آنان فاقد هرگونه امکانات اولیه زندگی هستند. بیل تنها یک گاری دارد که بیمار را از ده به شهر می‌برد و در آنجا بیمارستان به‌مثابه کشتارگاه، روستائیان را روانه قبرستان می‌کند. پرستار بی‌تعهد و پزشک بدخلق این بیمارستان، فاقد هرگونه حس مسئولیت‌پذیری هستند. شیوع امراض، مرگ، مرده، مرده‌شور، تابوت، قبرستان و سوگواری برای مردگان، پرتکرارترین الفاظی به شمار می‌آیند که رشته پیوند هشت قصه‌اند. اما آنچه بیش از همه مدنظر نویسنده بوده است، به ترتیب، «خرافات» و «تاریکی» است. سیاهی و تاریکی در همه صحنه‌های قصه‌ها حاکم و

تنها در لحظاتی کوتاه با نور کم‌سوی شمع و یا چراغ فانوس به کنار می‌رود. روستاییان اسیر خرافات‌اند، زیرا آنها خودشان را مقصر اصلی نزول بلایا می‌پندارند و نزد درگاه الهی گناهکار تصور می‌کنند و لذا عزاداری می‌نمایند. درحالی‌که بیل روستایی قحطی‌زده است، نویسنده در توصیف شهر که مشدی‌ریحان و حسنی، از اهالی روستا برای انجام کاری در آنجا رفته‌اند، می‌گوید: «بوی نان برشته همه‌جا پیچیده بود. هر دو نفر سیر بودند و با بغلی از نان، خانه‌ها را تماشا می‌کردند» (ساعدی، ۱۳۴۹: ۱۰۲). او خرافات را عامل سکون جامعه و توجیه‌گر وضعیت وضع روستاهای فقرزده معرفی می‌کند.

### رمان ترس‌ولرز

یکی دیگر از رمان‌های غلامحسین ساعدی است که مشتمل بر شش قصه به‌هم‌پیوسته که در سال ۱۳۴۷ منتشر شد. «این رمان موردعلاقه حسن ضیاء‌ظریفی، از بنیانگذاران سازمان چریک‌های فدایی بوده که ساواک هنگام بازرسی از منزل وی در کتابخانه شخصی او می‌یابد» (چپ در ایران، ۱۳۸۰: ۳۰۵). همچنین «محتوای انتقادی آن موردبررسی ساواک هم قرار گرفت» (مراسان: ش. بازیابی ۲۳۴۱۰۳۵؛ ۲۳۴۳۰۷۹). «رمان روایتگر روستایی با خانه‌های گلی و کپر در سواحل جنوبی کشور است؛ کوچه‌ها مملو از زباله» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۷)، «شیوع امراض» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۱۱)، فاقد امکانات اولیه بهداشتی و درمانی (ساعدی، ۱۳۷۷: ۸۷-۸۲). «در این روستا صدای سرفه، ناله و گریه بیشتر از آوای آواز و خنده بلندشان شنیده می‌شود» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۸۷). ساعدی در قسمتی از داستان در توصیف سیه‌روزی روستاییان به گفتگوی زاهد، یکی از روستاییان با طفل خردسالی با موهای فر، پوست شفاف و پیراهن دورنگ که در ساحل توسط آنها پیدا شده اشاره می‌کند: «چرا اخم می‌کنی؟ از من خوشت نمی‌آید؟ خب، هیشکی از من خوشش نمی‌آید. حال یه جوری بساز و امشبو تحمل کن. تو هم مثل منی. راستی تو دیگه واسه چی اومدی دنیا؟ ها؟ اومدی گشنگی بخوری؟ تو کپرا بخوابی؟ با بادها حشر و نشر بکنی؟ واسه هوایی‌ها و دیوونه‌ها دمام [دُهل] بکوبی؟» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۱۱۰). شغل روستاییان ماهیگیری بود و «آنها تعداد زیادی جهاز و عامله برای این کار داشتند» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۱۸۰). اما آنها غالباً بیمار، فقیر،

ندار و گرسنه بودند (ساعدی، ۱۳۷۷: ۱۹۹ و ۱۹۱). شاغلان فقیری که «زندگی مرارت‌بار آنها توأم با قرائت‌های خرافاتی، قضا و قدری و تسلیم‌پذیری از مذهب بود» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۷، ۱۶-۱۹، ۱۳۹). اغلب روستائیان در مواجهه با رخدادها یا پدیده‌های عجیب و غریب دچار «ترس و لرز» می‌شدند.

ساعدی در قسمت‌های مختلف رمان، «ترس» شخصیت‌های داستان را از اصوات عجیب، سایه‌ها، اشباح، ناشناخته‌ها، صورتک‌های عجیب و اجسام ناپیدا در کوچه‌ها، گوشه و کنار برکه‌های روستا و نیز بر روی سطح افق دریا بازتاب می‌دهد. او باظرافت پوچ و توخالی بودن این ترس‌ها را به اذهان مخاطبان منتقل می‌دهد و بدین طریق آگاهی اجتماعی را ارتقاء می‌بخشد. او در پس ظاهر شخصیت‌های رمان، ترس و لرز و واهمه روستائیان را بی‌مورد عنوان می‌کند و «دریا» را به علت «نترس بودنش» می‌ستاید: «دریا از هیچ‌چی واهمه ندارد، نمی‌ترسه، اما همه از دریا می‌ترسن» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۹۱). «ساعدی ترس و لرز را از مظاهر «خاک»، و دل و جرأت و رهایی از واهمه را از تجلیات «آب و دریا» می‌داند» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۶۷). و تلویحاً به مخاطبان خود القاء می‌کند که «بدون واهمه و ترس و لرز و هول، با دل و جرأت به دریا بزنند و به افق دریا بنگرند و به زندگی مطلوب امیدوار باشند» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۶۷، ۵۴). او در بخش دیگری از داستان مجدداً با تعبیر و استعاره، خاک را عامل ایستایی و دریا را عامل پویایی و حرکت و گذار از مرحله ترس و لرز عنوان می‌کند و به نقل از یکی از شخصیت‌های داستان می‌گوید: «آنها که روی خاک بودند، ساکت به تماشا ایستادند. هر که توی آب رُود، و توی دریا رود، ترسش می‌ریزد» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۷۲).

ساعدی در رمانش با زیرکی به انحاء گوناگون میان «تب و لرز» و «دریا» پیوند می‌زند، از جمله از زبان «محمد احمد علی»، یکی دیگر از شخصیت‌های داستان، کارکردن بر روی دریا و ماهیگیری را عامل فروریختن ترس و توهم‌زدایی، و درعین حال دل و جرئت یافتن معرفی می‌کند: «هر وقت یکی می‌میره، حال من خراب میشه، لرز می‌گیرم و واهم تو جانم می‌افته. همیشه این جوریم و ناچار میرم دریا. دریا خوبه، وقتی زیر پام خاک نباشه دیگه واهمه ندارم. لرز نمی‌کنم. پا مو که رو زمین بذارم، دلم می‌ریزه، زهره ترک میشم. من خوش ندارم پا روی مرده بذارم» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۶۱).

رویدادهای متوالی داستان غالباً اجزای مختلف و ابعاد گسترده زندگی مُفلس مردم آن آبادی را به تصویر می‌کشیدند. اما حضور افراد غریبه به آن روستا بر فقر آنها افزود. در مرتبه اول، ساعدی در یکی از قصه‌ها به ورود «فردی خپل و چاق چهل‌ساله‌ای اشاره می‌کند که از ماشین پیکاب پیاده می‌شود. او کاسکت نظامی داشته و روستائیان خوف آن را داشتند که آنان برای سربازگیری آمده‌اند» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۷۵-۲۵). «پیکاب بجز آن فرد دارای دو سرنشین دیگر بود. طی اتفاقاتی، آن فرد غریبه پولدار، بوالهوسِ عوام‌فریب، دختری از این آبادی را به عقد خود درآورده و بعد از مدتی ترک تعهد کرده و متواری می‌شود. بعدها مشخص می‌شود که او با شیادی دخترانی دیگری را نیز از آبادی‌های هم‌جوار به همین شیوه سیه‌بخت کرده است» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۵۶-۲۷). یک‌بار دیگر «کشتی بزرگ غریبه‌ای بر ساحل مشرف به روستا لنگر انداخت. سرنشینانش شش خارجی خوش‌لباس و حدود ده‌پانزده سیاه تحت امر بودند. خودشان را به ساحل رساندند و اتراق کردند. روستائیان کنجکاو به نزدیکی چادرهای آنها آمدند. روستائیان گرسنه از بوی غذاهای لذیذ غریبه‌ها مدهوش شده و در حسرت خوردن آنها بودند» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۱۷۵-۱۵۵).

به گفته ساعدی آشنایی و دوستی روستائیان با خارجی‌ها و عوامشان (سیاهان)، سرآغاز از یاد رفتن «دریا» و از دست رفتن دل و جرأت و بدل شدن آنها به اجسام ساکن و ساکت و خاک و انحطاط بود. «خارجی‌ها به آنها غذا می‌دادند. اهالی روستا که مدتی با غذاهای خارجی سیر شده بودند، دیگر حوصله دریا رفتن را نداشتند. صالح، یکی از روستائیان می‌گفت: «دریا برای گرسنه‌ها خوبه، الحمدلله ما که سیر هستیم. و دست به شکم برآمده و بزرگش کشید» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۱۸۶-۱۸۵). خارجی‌ها به همراه سیاه‌ها یک‌بار هم طی دیداری از روستا اشیای قدیمی به‌ظاهر بی‌ارزش روستائیان را خریداری کردند. سیاهان مترجم آنان بودند. آنها مدتی پاتیل‌های پر از غذاهای خوشمزه و چرب‌تر را در میدانچه روستا قرار می‌دادند. روستائیان که طی سالیان متمادی طمع تلخ گرسنگی را چشیده بودند، چنان با ولع غذا می‌خوردند که سرانجام در اثر پرخوری مفرط، «تغییر شکل داده»، گرد شده، باد کرده بودند و به‌کندی روی زمین می‌غلتیدند و به جلو می‌خزیدند. سیاهان هنگامی که پاتیل‌های پر از غذا را می‌آوردند، اصرار می‌کردند که تا غذا سرد نشده، از مزه

نیفتاده، هرجوری شده باید بلند بشند و غذاها را بخوردند. این در حالی بود که روستاییان دیگر توان تکان خوردنند از جا و بلند شدن از روی زمین نداشتند» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۲۰۱-۱۹۹). «چند روز گذشت و خبری از پاتیاها نشد، لذا اهالی روستا به طرف اردوی غریبه‌ها راه افتادند. از شدت چاقی نمی‌توانستند قدم‌های بلند بردارند. اردو ورچیده شده بود و نشانه‌ای از غریبه‌ها در ساحل پیدا نبود. همه برگشتند و دریا را نگاه کردند که خالی بود و اثری از کشتی‌ها و عامله‌ها دیده نمی‌شد. در این هنگام با یکدیگر به گفتگو پرداختند. محمد احمد علی گفت: «اگه برنگردن چه کار کنیم؟» صالح گفت: «من که دریا نمیرم». عبدالجواد گفت: «منم همین‌طور، من دیگه از ماهی‌کشی بدم میاد». محمد احمد علی دوباره گفت: «من عادت کرده‌ام که همیشه چیزای خوب بخورم». کدخدا گفت: «من همین حالاش گرسنه‌ام شده» (ساعدی، ۱۳۷۷: ۲۰۳-۲۰۱). آنها به روستا بازگشتند، مدتی بعد از فرط گرسنگی به انبارخانه‌های یکدیگر تعرض می‌کردند. خشم و خشونت همه روستا را فراگرفت.

### نتیجه‌گیری

ادبیات داستانی چپ در قرن بیستم تحت‌الشعاع جنبش کمونیستی جهانی شکل جدی‌تر و تندتری به‌خود گرفت و به ادبیات چریکی جهان بدل شد. نحله‌های جدید مارکسیسم-لنینیسم که به‌جای طبقه کارگر پیشرو بر هسته‌های چریکی تأکید داشتند، بر منازعه میان اندیشه چپ و راست دامن زدند. به‌تبع، ادبیات چریکی در ایران در پرتو جنبش کمونیستی ایران، با به‌تصویرکشیدن بی‌عدالتی‌های حکومت پهلوی، مضامین قهرآمیز را به مخاطبان منتقل می‌کرد و به هویت‌یابی و مرزبندی دو جبهه متخاصم کمک نمود و نیز محرکی قوی در رزم با حاکمان محسوب می‌شد. با غیریت‌بخشی و دوقطبی‌سازی، احساسات را به غلیان درمی‌آورد و خردمندی را به محاق می‌برد و اهداف سترگ و پرمخاطره را سهل و آسان می‌نمود. ادبیات چریکی همسو با تحولات سیاسی در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بار محتوایی کشمکش و ستیزه‌اش فزونی می‌یافت و اذهان خوانندگان را متصلب و انعطاف‌ناپذیر می‌کرد و آنها را به واکنش‌های شدید احساسی سوق می‌داد که پیامدش خشم و بی‌زاری از مخالفان بود.

ادبیات چریکی جای خود را در هسته‌های مطالعاتی چریک‌های فدایی باز کرد و هم‌سنگ هسته‌های چریکی مسلحانه شد و گونه ادبی را پروراند که در آن ادبیات همسو با سیاست با خلق قهرمانان، مکان‌ها و لحظات، وارد مبارزه با حاکمان شد و جرأت، و عبور از دیوار ترس را به مخاطبان القا می‌کرد. این نوع ادبی در پس ظاهر شخصیت‌های داستان، با تأکید بر قطعیت ثمربخشی قوانین جنگی نامتقارن و غافلگیرانه، در سودای پیوند جبهه روستایی و شهری با هدف استقرار حکومت سوسیالیستی آتش مبارزه مسلحانه را شعله‌ورتر کرد.





۰۳۴۰۰۹۴

فلامحسین محمدی :

بزشک بهارهای روانی نویسنده . دکتر سادی از سال ۱۹۶۲ (افکار کونیستی داشته و گنگاه این افکار را بر زمین نمود است . در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ گزارشها مریید که این شخص افراد مختلف را تحت پوشش در مان روانی ملاقات میکند و آنها را در جهت فعالیت‌های تروریستی تحریک مینماید . وی همچنین بسیار رهبری از گروه‌های تروریستی در ارتباط بود و اطلاعات رسیده نشان میداد که کمک‌های در جهت پیشرفت هدف‌های تروریستی بعمل می‌آورد .

وی بهین مناسبت بازداشت شد . او در مدت بازداشت اعتراف کرد که

قبول اشتباهات خود و درخواست کرد که در یک محامه مطبوعاتی نقطه نظرهای

فکری جدید خود را با اطلاع مردم برساند . هنگامیکه چنین نیت او در این مورد

با اثبات رسید ، برابر موازین قانونی مجازات بخشید و شد و بعداً در رسد

مباحثه مطبوعاتی براد یوتلویزیونی شرح مطبوعاتی در نظریات مارکسیستی

منسوان کرد . دکتر سادی فعلاً در تهران بکار طبابت و نویسندگی اشتغال

۲۶۵۵۲

دارد .

از سرزنش کنونی  
بهر طرف نفوی



۰۲۳۴۱۰۱۵

منجر مانده



نخست وزیر

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

گیرنده اداره کسب سوم

فرستنده ستاوات آذربایجان شرقی

شماره ۳۱۱/۵۲۹۴۰

پیوست ۴۴/۱۰/۲۰

تاریخ ۲۳/۱۱/۲۲

شماره ۵۳/۹۷۰۲

شماره پرونده گیرنده

شماره پرونده فرستنده

موضوع غلامحسین ساعدی فرزند علی اصغر

طبق سوابق موجود در بررسی و بهره برداری که از اوراق و اسناد مکشوفه از منزل محمد حسین وجواد علیزاده بعمل آمده نامبرده بالا با حزب منحلّه توده همکار داشته است لذا با تهاجم همکاری با حزب منحلّه توده و تشکیل جلسات علیه دولت دستگیر و تحت پیگرد قرار گرفته که مراتب و مشخصات آامن ضمن ارسال بقتلعه عکس مشارالیه طی شماره ۶۰۵-۴۲/۴/۲۵ به استحضار رسید. است. م. از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی

بلاور ۶۰۵-۴۲/۴/۲۵

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور



۱۷۳۹۵ ۳۰۸-۳۸

۰۲۲۴۱۰۳۵

### خیلی محرمانه

روزنامه زنگ خیزانه ۱۳۰۳ (۲۶۲۰۳۱ - ۲۶۲۰۳۲) ۲۶ شهریور ۱۳۰۳ (چاپ دوم)

موضوع: مطالب مجوز فرودسی در مورد کتب غده مخفی و عدی

در مجله فرودسی شماره ۸۸۵ مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۰۳ مطالب در مورد ادبیات کتب به نام کس و کوز

بقیم غده مخفی و عدی به شرح زیر درج گردیده است.

« اخیراً متن مسدود شده غده مخفی و عدی در دسترس و نه این قبیل مهم در ادبیات داستانی :  
غزالی « کس و کوز » است و بیفت نظر بر این ادبیات که تعلق به عدی است از سبک  
بموجب ویرا اصل خلق نامش در نیم دارد و در آن خواننده به محلی تازه و آدوبه می‌گردد  
نبرد در ادبیات و در ادبیات فارسی نه خفته است و در آن می‌شود « کس و کوز در همین کتاب  
داستان از ادبیات است و این کتاب به نام کس و کوز است و در این کتاب  
زمینه ادبیات است و آثار کس و کوز »

روزنامه برابر اصل - ۱۳۰۳.۱۷ - ۱۷۹۹۹

پیش‌نیم غده مخفی و عدی بر کس و کوز  
۳۱۲  
۱۳۰۳.۱۷  
۱۳۰۳.۱۷  
خیلی محرمانه



۰۲۴۴۳۰۷۹

### خیلی مجامانه

طبقه بندی حفاظتی  
گزارش خبر

درجه فوریت

۷ - منبع	۲۸۴۷	صفحه یکم	از	۳
۸ - منشأ	۴۹/۷/۲۸	نسخه شماره	از	۳
۹ - تاریخ وقوع	۴۹/۷/۲۸	۱ - به	۲۲۲	۲۲۰
۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع	۸/۵	۲ - از	۲۵۲۰/۴۰۰۶۸	
۱۱ - تاریخ رسیدن خبر برهر عملیات محل		۳ - شماره گزارش	۱۲۴۹/۸/۹	
۱۲ - ملاحظات حفاظتی		۴ - تاریخ گزارش		
		۵ - پیوست		
		۶ - گیرندگان خبر	۴۱ - ۲۱ - ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶ - ۱۵ - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰ - ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵ - ۴ - ۳ - ۲ - ۱ -	

#### موضوع همی فریسی

موضوع همی فریسی درانجمن روابط فرهنگی ایران شیخ زوی حضرت یافته و اظهار داشته  
 اخیراً "فلامحسین ساعدی کتابی تحت عنوان ما نمی شنویم نوشتار و این کتاب همه جا انقلاب سفید را  
 منجلاپ سفید قلداد کرده است که کتاب منبر را توقیف نمود مانند و اضافه کرد دکتر ساعدی از طرف  
 سا زمان امنیت مورد آزار و نارا حتی فرار میگردد همی فریسی اظهار داشته که در استان ساعدی بوی -  
 بهشتیاد نمود مانند ایران را ترک کند ولی ساعدی اظهار داشته حاضر نیست مانند جمال زاده بشود  
 و قصد دارد در ایران بماند و حرفهایش را بزند همی فریسی در مورد ناراضیهای اخیر دانش آموزان  
 صحبت کرده و از قول یکی از دوستانش فرهنگ رانوی فرهنگ استعماری قلداد کرد هاست.  
 نظریه یکشنبه: عنوان مطالب فوق از طرف فریسی با احتمال توی صحیح است. توکل  
 نظریه چهارشنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است - م

بگمان خود  
 ۲۲۵۵۲  
 ۴۹

۴۹ ۱۱ ۹  
 ۴۴۵

### خیلی مجامانه

طبقه بندی حفاظتی

۴۶-۱۳۰



## کتابنامه

### کتاب فارسی

۱. آموزش مارکسیسم-لنینیسم را با سازماندهی هسته‌های مطالعاتی ارتقا دهیم، بی جا، ناشر سازمان دانشجویان پیشگام، ۱۳۵۸
۲. احمدزاده، مسعود، مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک، بی جا، بی نا، ۱۳۵۱
۳. اشتین‌بک، جان، خوشه‌های خشم، ترجمه شاهرخ مسکوب و عبدالکریم احمدی، تهران، امیرکبیر، ۱۴۰۱
۴. اشرف، حمید، حماسه سیاهکل، به کوشش انوش صالحی، تهران، نگاه، ۱۴۰۰، چ ۳
۵. اشمیت، کارل، رمانتیسم سیاسی، ترجمه سهیل صفاری، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۹۹، چ ۲
۶. بهرنگی، صمد، ۲۴ ساعت خواب و بیداری، تهران، محور، ۱۳۷۷
۷. بهرنگی، صمد، ماهی سیاه کوچولو، تهران، موسسه فرهنگی آینه، ۱۳۷۷
۸. بیزر، فردریک، رمانتیسم آلمانی، ترجمه مسعود آذرفام، تهران، ققنوس، ۱۴۰۲، چ ۳
۹. پویان، امیر پرویز، ضرورت و بقاء، بی جا، سروش، بی تا
۱۰. تالستوی، لئون، جنگ و صلح، ترجمه سروش حبیبی، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۷
۱۱. چپ در ایران به روایت ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۰
۱۲. جزنی، بیژن، تاریخ سی ساله، ج ۱، تهران، بی نا، ۱۳۵۷
۱۳. جزنی، بیژن، وقایع سی ساله اخیر ایران، بی جا، بی نا، بی تا
۱۴. چخوف، آنتون، مجموعه آثار، ترجمه سروژ استپانیان، ج ۱، تهران، توس، ۱۳۸۱
۱۵. چخوف، آنتون، مجموعه آثار، ترجمه سروژ استپانیان، ج ۴، تهران، توس، ۱۳۸۱
۱۶. داستایوفسکی، فئودور، بیچارگان، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نی، ۱۳۸۹، چ ۲
۱۷. دبره، رژی، انقلاب در انقلاب، ترجمه علی مقامی، ناشر مترجم، ۱۳۵۷
۱۸. دبره، رژی، جنگ چریکی «چه»، ترجمه عباس خلیلی، تهران، مازیار، ۱۳۵۸

۱۹. درویشیان، علی اشرف، آبشوران (مجموعه داستان)، تهران، انتشارات شبگیر،

۱۳۵۴

۲۰. دهقانی، اشرف، حماسه مقاومت، بی‌جا، جنبش، ۱۳۵۷

۲۱. دهقانی، بهروز، ملخ‌ها، تهران، انتشارات پیوند، بی‌تا، چ ۳

۲۲. روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، تهران، ادیب،

۱۳۶۸، چ ۷

۲۳. روشنی پایان، میلاد، اتوپیا در رمانتیسیم سیاه، تهران، ققنوس، ۱۴۰۱

۲۴. رولان، رومن، ژان کریستف، ترجمه م. ا. به‌آذرین، ج ۲، تهران، نیل، ۱۳۵۷، چ ۴

۲۵. رهنما، علی، چپرادی‌کال در ایران، ترجمه پوریا پرنروش، تهران، نگاه‌معاصر،

۱۴۰۱

۲۶. ساعدی، غلامحسین، عزاداران بیل، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۹، چ ۳

۲۷. ساعدی، غلامحسین، ترس و لرز، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷

۲۸. سپانلو، محمد علی، نویسندگان پیشرو ایران، تهران، نگاه، ۱۳۷۴، چ ۵

۲۹. سیلونه، ایگناتسیو، فونتامارا، ترجمه منوچهر آتشی، تهران، شرکت سهامی

کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۷

۳۰. طرحی برای برنامه آموزشی؛ پیرامون ضعف تئوریک جنبش کمونیستی، بی‌جا،

بی‌نا، ۱۳۵۸

۳۱. فورست، لیلیان، رمانتیسیم، ترجمه مسعود جعفری، تهران، مرکز، ۱۴۰۱، چ ۸

۳۲. گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (پیکار خلق)، قیام بهمن‌ماه و دولت کنونی،

بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا

۳۳. گل مرادی، مراد، کدوم کتابو بخونم، بی‌جا، نشر مالویل، ۱۳۵۸

۳۴. گورکی، ماکسیم، مادر، ترجمه علی اصغر سروش، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۷

۳۵. لندن، جک، پاشنه آهنین، ترجمه صبحدم، محمد، تهران، بی‌نا، ۱۳۳۱

نقش ادبیات داستانی چپ در گسترش چریکیسم و مبارزات مسلحانه جنبش‌های چریکی علیه حکومت پهلوی دوم..... ۲۰۹

۳۶. ماریگلا، کارلوس، **جنگ چریکی شهری**، بی‌جا، نبرد، ۱۳۵۸
۳۷. موف، شانتال، **آگونیستیکس: اندیشیدن به جهان به شیوه سیاسی**، ترجمه مصطفی انصافی، تهران، لوگوس، ۱۴۰۳
۳۸. موف، شانتال، **بازگشت امرسیاسی**، ترجمه جواد گنجی، تهران، نی، ۱۴۰۱، چ ۲
۳۹. موف، شانتال، **در دفاع از پوپولیسم چپ**، ترجمه حسین رحمتی، تهران، اختران، ۱۴۰۳
۴۰. نادری، محمود، **چریک‌های فدایی خلق**، ج ۱، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۴۰۳، چ ۵
۴۱. وانسلوف، ویکتور، **استیک رمانتیسم از دیدگاه درک مادی تاریخ**، ترجمه بابل دهقان، تهران، اشاره، ۱۳۹۸
۴۲. **مقالات**
۴۳. بهادرونند، فانوس، «پروتاگونیست چه کسی است؟»، **نشریه نمایش**، ش ۴۲، ۱۳۸۰، صص ۲۸-۲۴
۴۴. خاتمی، احمد؛ تقوی، علی، «مبانی و ساختار رئالیسم در ادبیات داستانی»، **نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی**، ش ۶، ۱۳۸۵، صص ۹۹-۱۱۱
۴۵. خان‌زهر، محمد؛ عسکری، احسان، «سیاست، آگونیسم یا آنتاگونیسم؟»، **فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام**، ش ۲۳، ۱۳۹۹، صص ۱۰۴-۷۷
۴۶. خسروی، حیدر؛ تاجیک، محمدرضا، «شکل‌گیری جریان‌های فکری رومانتیک در عرصه سیاسی ایران؛ دوره مشروطه تا دهه ۱۳۳۰»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، س هفتم، ش ۴۳، پاییز ۱۹۹۴، صص ۶۴-۳۶
۴۷. دشتیان‌نژاد، سکینه، «تأثیر اروپا بر تجدد ادبی ایران (تحلیلی بر شعر نو)»، **پژوهشنامه اورمزد**، ش ۳۲، ۱۳۹۵، ۳۷۱-۳۵۲
۴۸. زائری، قاسم؛ ربیعی، الهام، «بررسی روندهای تاریخی و فرهنگی موثر بر استقرار نخستین قالب‌های ادبی در ایران»، **راهبرد فرهنگ**، س ۸، ش ۳۱، ۱۳۹۴، صص ۳۶-۷

۲۱۰..... دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۴۹. عبادیان، نسرین؛ سلیمانی، زهرا، «بررسی تطبیقی مکتب رمانتیسیم در اشعار نیمایوشیج و خلیل مطران»، نشریه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ش ۱۳، ۱۳۹۱، ۱۴۵-۱۲۳

۵۰. عاروان، کامران، «ابزارهای حکومت پهلوی برای جلوگیری از انتشار، توزیع و مطالعه کتاب های ممنوعه؛ از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲»، تاریخ نامه انقلاب، س ۱۷، ش ۶۶، ۱۳۹۸، صص ۶۶-۴۶

۵۱. معبودی، فرحناز؛ مهرکی، ایرج، «بررسی تطبیقی بررسی تطبیقی سوسیالیستی در رمان های «مادر» اثر ماکسیم گورکی و سال های ابری»، نشریه پژوهش های تطبیقی زبان و ادبیات ملل، ش ۱۷، ۱۳۹۸، ۷۵-۵۱

۵۲. نجفی، [رضا]؛ بی نیاز فتح الله، «بررسی مکتب های ادبی جهان: رمانتیسیم»، نشریه کتاب ماه ادبیات، ش ۱۳۴، ۱۳۸۷، ۹۲-۹۰

۵۳. هادی، روح الله؛ عطایی، تهمنه، «مبانی زیبایی شناختی رئالیسم سوسیالیستی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۷، ش ۶۴، ۱۳۸۸، ۱۴۸-۱۲۵

اسناد

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ش. بازیابی ۲۳۴۱۰۳۵.
۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ش. بازیابی ۲۳۴۳۰۷۹.
۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ش. بازیابی ۲۳۴۰۰۹۴.
۴. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ش. بازیابی ۲۳۳۹۰۰۲.
۵. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ش. بازیابی ۲۳۳۹۰۰۱.
۶. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): ش. بازیابی ۲۴۴۱۰۱۵.